

# به پیش!

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۵، ۱۲ فوریه ۲۰۰۷

هر دو هفته یک بار منتشر میشود

شماره ۲۰

اتحاد سوسیالیستی کارگری



دعوت از همه  
تشکل ها و  
فعالین جنبش  
کارگری برای  
اتحاد عمل ...

صفحه ۶

قطعه نامه

بمناسبت سالروز  
کشتار کارگران  
خاتون آباد

صفحه ۱۴

تجمع کارگران  
کارخانه شامو  
سندج "

صفحه ۱۶

نامه سندیکای

کارگران شرکت  
واحد به دبیرکل  
فدراسیون جهانی  
کارگران حمل و  
نقل

صفحه آخر

## تشکل های کارگری تنها مرجع افزایش دستمزد

شروین رها

مبارزه برای افزایش دستمزد، در عین حال که مبارزه دائمی و روزمره کارگران بر علیه سرمایه داری است اما، تحقق طبقاتی موجود در جامعه، بین کارگران و دولت سرمایه داری است. در چهارچوب نظام سرمایه داری بر اساس کارمزدی، در عین حال که بالاتر رفتن دستمزد کارگران و خود در بهترین حالت، تحمیل حداقل سود به سرمایه داران بیش نیست، ولی همین خود به یک عامل بستگی دارد و آن اینکه کارگران در جامعه تا چه اندازه متشکل هستند و این تشکل با کدام افق سیاسی بر علیه سرمایه داری و دولتش مبارزه را پیش میبرد. این، تنها مرجعی است که میتواند حتی تکه ای از نان دزدیده شده بقیه در صفحه ۲

دامنه اعتراض به این اقدام ضد انسانی و ضد کارگری به سراسر شهر بابک کشیده شد بار دیگر نیروهای نظامی رژیم و این بار از زمین و هوا به کارگران و خانواده های آنان یورش بردند. در جریان تیر اندازی ها هفت نفر از کارگران

بقیه در صفحه ۶

## چاره چیست؟

حمید قربانی

۴ بهمن که به مناسبت یورش وحشیانه ماموران رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی سرمایه به کارگران معترض به بیکارسازی کارفرمای معدن مس خاتون آباد شهر بابک در استان کرمان، از طرف فعالین کارگری و سازمانهای چپ و سوسیالیست در داخل و خارج بعنوان روز جان باختگان جنبش کارگری ایران اعلام شده است، گذشت. در این روز و بدین مناسبت در داخل کشور و خارج مراسم هائی برگزار شد و اعلامیه ها و قطعنامه هائی از طرف کارگران و سازمانهای سوسیالیست و کمونیست داده شد که در آنها کارگران خواستار محاکمه و مجازات آمران و عاملان این جنایت ضد انسانی شدند. بر اثر این حمله که از زمین و آسمان به کارگران و خانواده هایشان بقیه در صفحه ۴

سال پیش در چنین روزی مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، صف کارگران مجتمع ذوب مس خاتون آباد از توابع شهرک بابک در استان کرمان را که بر علیه سیاست اخراج سازی کارفرما اعتراض کرده بودند، به گلوله بستند. پس از آنکه

## شوراهای بهمن،

## تشکلهای امروز

(در سالروز انقلاب)

شروین رها- حمید قربانی

## سر مقاله به پیش!

با فرا رسیدن بهمن ماه نزدیک به سه دهه از قیام توده ای بیست و دوم بهمن میگذرد. انقلاب پنجاه و هفت، که در زمره یکی از توده ای ترین انقلابات در اواخر دوران جنگ سرد بود، هر چند در اولین گام رژیم دیکتاتوری پهلوی را بزیر کشید، اما در نیمه راه ناتوان از متحقق شدن آرزوهای بر باد رفته توده های کارگر و زحمتکش انقلاب کننده در ضربه قطعی به نظام سرمایه داری در ایران و در غیاب ستاد رهبری کننده، با یورش ضد انقلاب بر سریر قدرت نشسته رژیم جمهوری اسلامی از پای درآمد. با سرکوب شوراهای کارگری، بمتابیه عالی ترین شکل ظهور بقیه در صفحه ۱۵

## با ایجاد تشکل

## میتوان به کشتار

## کارگران خاتمه داد

کمیته اجرایی اتحاد  
سوسیالیستی کارگری

چهارم بهمن در پیش است. سه

**پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!**

## تشکلهای کارگری تنها مرجع افزایش دستمزد

کارگران رابه سفره خالی آنان باز گرداند. اکنون که به آخر سال نزدیک میشویم باز هم ارگانهای ضد کارگری رژیم، همچون شورای عالی کار، خانه کارگر و شوراهای اسلامی، دست و پا میزنند تا مگر فرمولی برای سرهم بندی کردن دستمزد کارگران، برای سالی که در پیش است، پیدا کنند. در این رابطه، اولین اظهار نظر، در گزارشی از خبرگزاری کار (ایلنا) به نقل از ایراهیم نظری جلالی (معاون وزیر کار) در خصوص تعیین حد اقل دستمزد برای سال آینده چنین آمده است: «در این رابطه ستاد مزد با عضویت هفت نفر تشکیل شده که شش ماه است در حال نظر خواهی از کارگاهها برای تعیین حد اقل دستمزد کارگران هستیم، اما هنوز نتایج جمعیندی نشده است.» این پیش درآمدی است که در چند سال اخیر و از آنجا که فشار آشکار و علنی مبارزه کارگران به اشکال مختلف بیشتر شده، زیاد شنیده میشود و خود حکم پیشگیری تدریجی از این فشارهاست تا آخر سر طوری قضیه را سر هم بیاورند. تعیین درصدی بر مبنای نرخ تورم تحت عنوان افزایش حداقل دستمزد کارگران از طرف شورای عالی کار در اسفند هر سال، ادعای بی شرماته ای پیش نیست. در تمامی دوران حاکمیت رژیم اسلامی، به جز دوران کوتاهی، که در آن شوراهای کارگری هنوز قلع و قمع نشده بودند و

هنوز پایه های خانه کارگر، انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی سفت نشده بود، تا به امروز هیچ گونه افزایشی در میزان دستمزد اتوماتیک وار و متناسب با نرخ تورم در جامعه صورت نگرفته است. در چند سال اخیر، اگر اینجا و آنجا خانه کارگر و شوراهای اسلامی هم از عملکرد شورای عالی کار و مصوبه های تعیین دستمزد، هر از چند گاهی شکوه سرداده اند در واقع به عبث برای دوختن قبایی برای خود در میان کارگران هستند که مگر آنها رادرجهت منافع سرمایه پشت سر خود به خط کنند. این قبای بیرنگ، ارگانی سرکوبگر و ضد کارگری است که هیچ وقت هم کارگران آنها را از خود ندانسته اند.

دردوران جدید سیاست جهانی، که سرمایه هم در ایران از این طریق ره میپیماید، بدون شک طوق بردگی برگردان کارگران سنگینی میکند، به نحوی که در روز روشن همان آخرین لقمه هم از سفره کارگران به غارت رفته است، و این را و طی چند سال اخیر در انطباق با خصوصی سازی و مدل بانک جهانی میتوان آشکارا دید. هیچگونه تامین اجتماعی در قانون شامل حال کارگران کارگاهها نمیشود. کارگران نساجی و دیگر صنایع بازنده در رقابت، به حال خود رها شدند و کارفرماها از قبل ارزش اضافه کارگران در رشته های دیگری سرمایه گذاری کرده اند. کارگران پروژه ای و فصلی و قرار داد موقت هم در تعریف مصوبه دستمزدها نمیگنجد. تنها میماند صنایع بزرگ و پر درآمد که در آن هم سرمایه با در اختیار داشتن حق تعیین شرایط کار و حق انتخاب نیروی کار و تحمیل به کارگران، رس آنان را

میکشد. سرمایه دیگر فقط بین کارگران تفرقه افکنی نمیکند، بخشهای مختلف را از هم بیگانه میکند. حضور طبقه کارگر جوان ایران در شوراهای ۵۷، با وجود سرکوب و قتل عام توسط رژیم اسلامی سرمایه، اما با مبارزاتش، حد اقل سنتهایی را بجا گذاشت که سایه آن درقانون کار و افزایش دستمزد سالیانه هنوز است. سرمایه داری در ایران برای سر و سامان دادن به ثبات سیاسی اش ناچار از در افتادن با آنها بوده است و این، در صورت فراهم شدن شرایطی سیاسی در جامعه، بانک جهانی و دیگر ارگانهای سرمایه جهانی راهم در پشت سرخواهد داشت. در مقابل، یک مبارزه کارگری هم که بخواهد از یک ضرورت تاریخی پیروی کند به ابزاری نیاز دارد که آن، چیزی بجز تشکلهای توده ای کارگری (با جهت مبارزه طبقاتی) نمیتواند باشد. چرا که در این راستا و در مقابل، هم تجربه ۵۷ را از لحاظ توده ای شدن آن گذرانده، هم تجارب سوسیال دموکراسی اروپا در اتحادیه ها و سنت آن را در برابرش دارد و هم مدل جدیدتر اتحادیه سازی از سوی ارگانهای سرمایه جهانی به منظور افزایش بار آوری در کشورهای جنوب شرقی آسیا را شاهد بوده است. مدل سود آوری اتحادیه کارگری برای توسعه سرمایه که بر مبنای توافق سه جانبه کارفرما، دولت و کارگر استوار است، هدفی به جز سفت کردن زنجیر بردگی مطلق بر گردن طبقه کارگر ندارد. در این طرح کارگران صنایع پردرآمد عضو اتحادیه، تنها به بهای شاید داشتن شغل، به گزری در دست سرمایه برای سرکوب کلیه احاد کارگران تبدیل میشوند، گزری که در اولین ضربه خود منهدم میشود.

بقیه در صفحه ۱۴

Postfach 940166  
60459 Frankfurt  
Germany

[bepish@hotmail.fr](mailto:bepish@hotmail.fr)

# به پیش!

**به پیش!** زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای **به پیش!** منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.

شد. و در سال ۱۹۸۷-۱۹۸۸ جمعیت کثیری از کردهای عراق را قتل عام نمود. در حالیکه بعضی از رهبران رژیم بعث با ایرانیان هم نظر بودند، صدام در سال ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد. و شیعه های عراق را به این دلیل که علیه حکومتش در سال ۱۹۹۱ شورش کرده بودند قتل عام نمود.

### آیا آنها او را برای دیو جل اعدام نمودند؟

اعدام صدام حسین و علل آن مثل این است که اگر آنها آدولف هیتلر را در سال ۱۹۴۵ زنده دستگیر می کردند، باید از مسئولیت او برای آغاز جنگ دوم جهانی و قتل عام ۶ میلیون یهودی و میلیونها انسان دیگر چشم پوشی میکردند، و فقط به اتهام اینکه مردمی که طرح بمب در سال ۱۹۴۴ بر علیه او ریخته بودند و هیتلر آنها را اعدام نمود، دادگاهی و اعدام میشد.

با وجود همه جنایات دیگری که به دستور صدام حسین اتفاق افتاد و برای جهانیان آشکار و روشن بود چرا باید فقط به دلیل توطئه دیو جل اعدام شود؟

به این دلیل ساده که آمریکا فقط در این یکی درگیر نبود و نقش نداشته بود. آمریکا در کشتار کمونیستهای عراق مستقیماً دست داشت.

سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، لیست اعضای حزب کمونیست عراق را به رژیم بعث داد و صدام بر طبق این لیست ترتیب قتل عام آنها را داد.

همزمان با حمله ارتش عراق به ایران ( جنگ عراق علیه ایران) صدام از طریق آمریکا ماموریت یافت که فرآورده های گازهای سمی و شیمیایی تولید نماید. آمریکا از طریق ماهواره و عوامل جاسوسی اش نیروهای عراقی را کمک کرد که ایرانیان را هدف قرار بدهند. در ضمن آمریکا از طریق نیروی هوایش، فتوگرافی، طراحی و نقشه برداری صدام را از جزئیات خندقها یی که ایرانیان احداث کرده بودند مطلع نمود و به او اجازه دادند که ایرانیان را، از طریق خیساندن گازهای سمی مسموم نمایند.

حکومت ریگان کنگره آمریکا را برای دفاع از صدام در بکار بردن گازهای سمی آگاه کرد و آمریکا تلاش کرد که صدام را زمانی که مردم کرد عراق را در حلبچه

بقیه در صفحه ۱۵

هنگامی که محاکمه صدام جلو افتاد، حکومت فعلی عراق هیچ چیزی برای پنهان کردن و گفتن نداشت. این حکومت امریکا بود که قطعاً تصمیم میگرفت. حمله نظامی امریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ را به یاد بیاوریم. اولین بهانه واشنگتن برای حمله به عراق، متهم کردن آن به داشتن سلاحهای سنگین و مخرب بود. دوم اینکه گویا می خواهد دمکراسی را برای مردم محروم و سرکوب شده عراق به ارمغان بیاورد.

آمریکا می خواست مردم را ترغیب و متقاعد نماید که صدام یک خطر جدی برای تمام مردم دنیا است، با این تبلیغ که چطور او، مردمش را سرکوب، مسموم و قتل عام می نماید.

بالاخره، در عراق هیچ سلاح خطرناک و کشتار جمعی پیدا نشد. حالا سناریو باید تغییر میکرد. باید دلیل جنگ این می شد که دمکراسی را برای مردم عراق به ارمغان بیاورد.

اما هنوز صدام به عنوان دیکتاتور و هیولا باید معرفی میشد. و اینکه عراق نیاز به حمایتهای دمکراتیک دارد و چطور صدام مردمش را مسموم اذیت و آزار مینمود، تبلیغ میگردد.

از جمله مسموم کردن و کشتن مردم کرد عراق در سال ۱۹۸۸ در یک حمله شیمیایی. پس صدام به علت مسموم کردن و کشتن مردم عراق مستحق اعدام شدن است.

ولی جلسات دادگاه صدام در رابطه با حملات شیمیایی به مردم عراق تقریباً یکی دو ماه بود که آغاز شده بود. جلسات دیگر دادگاهی او برای سرکوبهای بیرحمانه اش در مورد شورشهای مردم کرد در ۱۹۸۸ و شورشهای شیعیان در ۱۹۹۱ در آستانه سال نو شروع شد اما هیچکدام از آن دادگاهها تا پایان کار ادامه نیافتند.

به یک باره تمام دادگاههای دیگر لغو شدند و صدام را فقط به دلیل قتل عام ۱۴۴ روستایی در شهر دیو جل که بقول معروف قصد قتل صدام را در سال ۱۹۸۲ داشتند به دار آویختند.

اما درباره دیو جل؟ اینجا یک مردی (منظور صدام) دوران حکومتش را با در داشتن قدرت در دهه ۶۰ با کشتار شیعیان و رهبریت حزب کمونیست عراق شروع کرد. او از طریق نیروهای دریایی و هوایی به ایران در سال ۱۹۸۰ حمله نمود که به قیمت زندگی نیم میلیون نفر تمام

## برای جنایت غلط اعدام

### کردن

### ترجمه: سیما افروز

### مقدمه مترجم:

تیترا بالا عنوان مطلبی است از یک ژورنالیست انگلیسی بنام **گایان دایر** که در روزنامه محلی لندن کانادا بنام فری پرس در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۰۷ به چاپ رسیده است.

این نوشته پرده از حقایق و جنایتهای دو دهه و نیم رژیم صدام حسین و حزب بعث و پشتیبانی کشورهای سرمایه داری به سرکردگی آمریکا، علیه مردم عراق و منطقه بر میدارد. این اولین بار نیست و در طول تاریخ بارها این جنایات در اقصی نقاط دنیا برای حفظ سرمایه و نظام اش توسط حکومتهای کاپیتالیستی اتفاق افتاده است.

نکته قابل توجه در این نوشته، کشتار رهبران و اعضاء حزب کمونیست عراق است. جنایتکاران سرمایه بخوبی به این واقف هستند که کمونیستها همیشه مانع اصلی در پیشبرد اهداف ضد بشری آنها بوده اند و برای تثبیت حکومتهای دیکتاتوری اشان چاره ای جزء کشتار و قلع و قمع آنها در خود نمی بینند.

اگر امروز یک جنبش چپ قوی با رهبری طبقه کارگر و کمونیستها در عراق موجود بود، قطعاً جامعه در این وضعیت اسفبار و تکانهنده نبود. می توانست این آدمکشهای قومی، مذهبی و ارتجاعی در آن جایش را به یک مبارزه طبقاتی علیه سرمایه و نیروهای امپریالیستی بدهد.

اما آنچه حقیقت است، اینکه، اگرچه نیروهای سرمایه و امپریالیستی با تمام امکانات آدمکشی اشان سعی در کشتار کمونیستها و طبقه کارگر دارند اما، هرگز نخواهند توانست مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری را در نطفه خفه نمایند.

### متن ترجمه شده:

این حکومت عراق نبود، بلکه اربابان امریکایی بودند که می خواستند صدام حسین با عجله و به سرعت اعدام شود. در حالیکه او منتظر جلسات بعدی دادگاه اش بود، اما یکبار همه آنها لغو شدند.

**احکام بیدادگاه سقر علیه فعالان کارگری لغو باید گردند!**

## چاره چیست؟

و همه مردمی که به دفاع از این حق طلبان برخاسته بودند در گرفت، ۷ نفر جان باختند و عده خیلی بیشتری زخمی شدند. هنوز کسی بجرم دستور و اجرای این جنایت کم نظیر در تاریخ جنبش کارگری ایران، محاکمه و محکوم نشده است. این البته در ماهیت نظام سرمایه داری است که هر جا کارگران برای احقاق حقوقشان دست به مبارزه زده اند مورد حمله قرار دهد و مبارزه شان را به خاک و خون کشد. تجاوز به کارگران و مردم را سرمایه و دولت هایش حق طبیعی خود می داند. این روز اگر چه هنوز جایگاه اصلی خود را نیافته است ولی در ادامه خودش می تواند به روز جنایت سرمایه بر علیه جنبش کارگری و اعتراض بر علیه آن در ایران تبدیل گردد.

با این حمله ددمنشانه و کشتار کارگران که تنها جرمشان اعتراض علیه بیکاری و گرفتن شغل بود، رژیم سرمایه می خواست جلوی مبارزات رو به رشد کارگری را یا ایجاد ترس و وحشت سد کند. ولی کارگرانی که دسته دسته بر اثر سیاست خصوصی سازی و تعدیل نیرو بیکار می شوند و نیز آنهایی که با وجود داشتن شغل ماهها در برخی موارد برای همیشه از حقوقشان محروم می گردند، جز مبارزه و اعتصاب چاره دیگری نداشته و ندارند. این بود که کارگران برعکس با دیدن چنین حملات وحشیانه ای فهمیدند باید پیش از پیش به نیروی طبقاتی خود فکر کرده و متکی گردند. کارگران در یافتند که باید خود را برای یک مبارزه همه جانبه و طولانی آماده کنند. از این تاریخ به بعد ما هر روز شاهد اوچگیری مبارزات کارگری در اشکال متفاوت و سازمان یافتگی نسبی طبقه کارگر هستیم. می توان در این رابطه به مبارزه کارگران برای به وجود آوردن شورای برگزاری، برگزاری مراسم ها و گرفتن جشن های اول ماه مه علنی و مستقل کارگری در این روز اشاره کرد که اوج آنرا ما در کوشش کارگران و فعالین کارگری شهر سقز

شاهد بودیم. این اقدام با یورش نیروهای امنیتی مواجه گردید و ۵۰ نفر از کارگران دستگیر و به زندان برده شدند اما کارگران دستگیر شده که در بیرون از زندان موفق به برگزاری مراسم جهانی خود نشده بودند، در زندان با خواندن سرود انترناسیونال و امضا قطعنامه این روز، مراسم و جشن خود را تکمیل کردند. مبارزه این کارگران و مردم و خانواده های دستگیر شدگان در شهر سقز و نیز مبارزه و پشتیبانی کارگران دیگر مناطق در سراسر کشور همراه با مبارزه سازمانها و فعالین کارگری خارج از کشور و بر زمینه مطرح شدن کشتار کارگران خاتون آباد در سطح وسیع نه فقط در داخل بلکه در خارج نیز، باعث شدند که جنبش کارگری ایران جهشی نموده و در سطح جهان نیز افکار فعالین جنبش کارگری را متوجه خود نماید و تعدادی از فعالانش هم در جنبش جهانی کارگری شناخته شوند.

بر اثر این مبارزات و تعمق در باره علل بروز، پیروزی و شکست آنها ست که در سالهای اخیر جنبش کارگری ایران از نظر خودآگاهی طبقاتی قدم های با ارزشی را برداشته است. به نظر می رسد بعد از دهه ۶۰ که رژیم با یورش به کارگران دستاوردهای انقلاب ۵۷ که مهمترین آنها شوراهای کارگری بودند را پایمال کرد، این چنین و تا این اندازه مبارزه طبقاتی و آرزو های انسانی کارگران شفاف و روشن نشده بودند. بر اثر این مبارزات که نشان از حضور طبقه کارگر در صحنه مبارزه جاری در جامعه ایران هر چند که نه هنوز در هنیت و نقش تعیین کننده اش دارد و رویا رونی و دست و پنجه نرم کردنش با قدرت سازمان یافته سرمایه از یکسو و اینکه جنبش های دیگر اجتماعی با تجربه ای که از علل شکست ها و ناکامی های مبارزات خود بویژه در این چند ساله اخیر اندوخته اند، باعث شده اند که برخی از این جنبش ها به ضرورت پشتیبانی از و اتحاد با کارگران برسند و آنرا در سطحی هم عملی و مطرح نمایند. این موضوع را می توان از پشتیبانی نسبی و شرکت در مبارزات کارگران، دادن

اعلامیه در محکومیت حملات رژیم به کارگران، مطرح کردن شعارها و حمل پلاکاردهایی که بیان کننده مطالبات و خواسته های طبقه کارگر می باشد را از سوی بعضی از این جنبش ها، (دانشجویان)، درک کرد. از سوی دیگر کارفرمایان و صاحبان سرمایه و ابزار تولید که شم تیز استثمار گرانه دارند برای جلوگیری کردن از اتحاد طبقاتی کارگران و به تحقق پیوستن وحدت جنبش کارگری، دانشجویان و غیره با یکدیگر، توسط ارگانه های سازمان یافته خود از قبیل دولت، مجلس و دستگاه قضائی و... هر روز توطئه می چینند و به کارگران ا فشار دیگر حمله می کنند. طبقه سرمایه دار در ایران نیز مانند همه جای جهان، اساساً، این کار را از طریق گذراندن قوانین گوناگون از طریق مجلس و به اجراء گذاشتن آنها بوسیله نیروی سرکوب سازمان یافته و تحمیل بی حقوقی و به زندان انداختن و صدور احکام شداد و غلاض از طریق قوه قضائیه، پیش می برد.

حال اندکی به خود مبارزاتی که بر علیه این وضعیت جریان دارند، و به اظهار نظرات در باره علل ناکامی و پیروزی به پردازیم. امروزه در ایران، ما شاهد مبارزات متعدد کارگران که حقوق انسانی شان بوسیله دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایان پایمال می شود هستیم. گستردگی و ابعاد این مبارزات برای هیچ ناظری که شاهد اتفاقات جامعه ایران می باشد قابل چشم پوشی نیست. مبارزاتی که حتی از طرف حاکمین ضد کارگر هم قابل چشم پوشی نبوده و هر روز از ترس اوچگیری و سراسری شدن آنها به یکدیگر هشدار می دهند. این مبارزات در اعتصابات هر روزه، بستن جاده ها، طومار نویسی ها و گذاشتن پیکت بر دروازه ورود کارخانجات مختلف، تجمع نمودن در مقابل مؤسسات و سازمانهای مسنول دولتی در سطح شهرستانها و در تهران (مجلس، ریاست جمهوری و...) با استفاده از شیوه های متفاوت و تا درگیر شدن با نیروهای سرکوبگر خود را به نمایش گذاشته است. اخبار این مبارزات نیز به یمن وجود دستگاههای ارتباطی نسبتاً غیرقابل کنترل

بقیه از صفحه ۴

## چاره چیست؟

مانند ماهواره های خبری، اینترنت و موبایل و غیره تا اندازه ای در بین کارگران و اقشار دیگر و مخصوصاً سطح جهانی در میان فعالین کارگری پخش شده و می شود. مبارزات جاری طبقه کارگر هم به علت گستردگی و شرکت هر چه بیشتر توده های وسیع کارگری در آن، مخصوصاً حضور فعالانه خانواده های کارگری و پشتیبانی نسبی اقشار دیگر اجتماعی و وجود فعالین کارگری در خارج کشور توانسته است از پشتیبانی نسبتاً خوب هم طبقه ایهایشان در سراسر دنیا نیز برخوردار گردد. در مواردی هم شده که سرمایه و رژیمش عقب نشینی نموده و به خواسته های گردن نهاده اند. بعنوان نمونه می توان از آزادی رهبران زندانی کارگران، تن دادن به برخی از خواسته ها و مطالبات روزمره، مذاکره با نمایندگان کارگران سندیکای کارگران واحد، مذاکره و تن دادن به خواسته های کارگران نساجی ها در کردستان، مذاکره با کارگران موقت دیزل خودرو و تجمع موافقت آمیز کارگران یخچال سازی لرستان، نام برد. در موارد بسیاری اما، رژیم با یورش وحشیانه به صفوف کارگران معترض باعث کشتار و زخمی نمودن کارگران شده است. در این رابطه غیر از کشتار کارگران خاتون آباد که در بالا به آن اشاره شد، یورش به محل برگزاری مجمع عمومی و اعتصابات کارگران شرکت واحد، کارگران پریس سنندج، فرشبافی بابلسر، حمله به کارگران بندر دیلم که بر اثر تیراندازی آدمکشان یک کارگر جان باخت، یورش اخیر به جمع کارگران پوشینه بافت قزوین که به گفته کارگران این واحد یکی از کارگران بر اثر ضربات باتوم مأموران جان خود را از دست داد و غیره اشاره کرد. در رابطه با این مبارزات، که در ابعاد مختلف انجام گرفته و کارگران و خانواده هایشان تا

این اندازه از خود شهامت و فداکاری نشان داده اند، برای هر کارگر و انسان برابری طلب و آزادیخواه دیگری اکنون این سنوالات مطرح هستند که چرا این مبارزات تا کنون نتوانسته اند جلوی یورش سرمایه به جان و مال کارگران را سد کند؟ چرا تا کنون دست آوردها در برابر ابعاد مبارزات کوچک هستند؟ چرا قادر نگردیده اند که دولت طبقاتی سرمایه داران را به عقب نشینی و تن دادن به خواسته های انسانی این تولید کنندگان نعمات مادی و معنوی جامعه وا دارند؟ چرا هر روز دامنه تعرضات سرمایه به سطح معیشت و امنیت شغلی کارگران گسترده تر می گردد؟ چرا هر روز سفره خالی کارگران خالی تر و سفره سرمایه داران مفتخور و در یوزگان دولتی و غیره شان رنگین تر می شود؟ چرا هر روز بر تعداد کودکان خیابانی و زنان و دختران تن فروش افزوده تر می گردد؟ چرا هر روز سرمایه داران و خانواده های آنها شیک تر لباس می پوشند و بر ماشین های گرانیقیمت تر سوار می شوند؟ و کارگران حتی از وسائل نقلیه عمومی هم در بسیاری موارد محرومند؟ و چراها دیگر.

برای جواب به این سنوالات به عوامل گوناگونی از طرف افراد، اقشار و طبقات مختلف اشاره می شود. مثلاً از طرف کارفرمایان و صاحبان سرمایه و ابزار تولید و قلم بدستان و روزنامه نگاران و اساتید لیبرال، طرفدار "دموکراسی" و اقتصاد بازارش، بطور عمده گفته، نوشته و تبلیغ می گردد که وسائل تولیدی ما عقب مانده تر است و این باعث می شود که باز ده تولیدی کمتر باشد، و در نتیجه تولیدات در برابر تقاضا کمتر است. پس باید اول تولید را افزایش داد، تا بعد به توان به تقاضاها رسیدگی کرد. ولی این جواب تاب تحمل این سنوال را هم ندارد که اگر این طور است. چرا شما و کاربدستان دولتی و غیر دولتی تان داشته باشید و ریخت و به پاش کنید و ما که تمامی این نعم را با نیروی

کارمان تولید و توزیع می کنیم، به اندازه یک زندگی لایق انسانی نداشته باشیم؟ کارگران مبارزه را در اشکال مختلفش شدت می دهند و تقاضا حقوق خود را می نمایند و سرمایه داران که می بینند این ترفندهایشان کارگر نمی افتد و از طرف دیگر نیز حاضر نیستند به خواسته های برحق کارگران به این آسانی گردن نهند، متوسل به نیروهای سرکوبگر می شوند. این نیروها به تظاهرات و مبارزات کارگران حمله ور می شوند. کارگران را مورد شتم و ضرب قرار می دهند. کارگران را دستگیر و در زیر زمین های تاریک و نمور شرکت های تولیدی و خدماتی زندانی می کنند، زندان های مخوف مخفی، شکنجه گاههای تازه در کنار مسجد و حرم می سازند. این شرایط و سرکوب باعث می شود کارگران بیش از پیش به علل عینی تری برسند. اینکه طبقه مقابل سرمایه دار، دولت و مجلس قانونگزاری دارد، قوه قضائیه دارد، نیروی سازمان یافته نظامی مجهز به انواع سلاحهای کشنده دارد، مأموران لباس شخصی و نیروهای امنیتی (ساواما) دارد که در پی شناسایی و دستگیری کارگران و فعالان کارگری هستند. در یک کلام دارای نیروی مادی متشکل و سازمان یافته است. ولی کارگران که تولید کننده، توزیع کننده و آماده کننده همه نعمات مادی هستند از چنین موقعیتی برخوردار نیستند. کارگران در تجربه زندگی و مبارزات روزانه خود به این امر هم واقف شده و می دانند که اگر یک روز دسته جمعی اعتصاب کرده و کار نکنند، شیرازه جامعه از هم می پاشد. پس اگر چنین اتفاقی نمی افتد برای این است که مبارزاتشان پراکنده، سازمان نیافته، دور از هم انجام می گیرد، از یک دیگر چنانکه باید با اطلاع نیستند و یا دور از هم انجام می گیرد، از یک دیگر چنانکه باید با اطلاع نیستند و یا نمی توانند باشند، اعتصاب و اعتراضشان از یک ارتباط ارگانیک با یکدیگر برخوردار نیست. در جایی که

بقیه در صفحه ۹

**”خانه کارگر“ و ”شوراهای اسلامی“ منحل باید گردند!**

بقیه از صفحه ۱

## با ایجاد شکل میتوان به کشتار کارگران خاتمه داد

از جمله ریاحی، جاویدی مهدوی ومومنی جان باختند و دهها نفر دیگر زخمی شدند. به گلوله بستن کارگران وجه مشترک دو رژیم سرمایه داری شاه و جمهوری اسلامی درخفه کردن اعتراضات کارگری در ایران است. در سال پنجاه نیز صف اعتراضی کارگران جهان چیت کرج توسط مزدوران مسلح رژیم شاه در محل کاروانسرا سنگی با گلوله پاسخ داده شده بود.

در چند سال اخیر در پرتو سیاستهای جدید جهانی سرمایه، در ایران نیز استثمار و بی حقوقی مطلق کارگران شدت بی سابقه ای به خود گرفته است. اخراج و بیکار سازی و قراردادهای سفید، کاهش دستمزد و بالا کشیدن حقوق معوقه، لغو ابتدای ترین بیمه های اجتماعی کارگری، تحمیل قوانین ضد کارگری در باز گذاشتن دست کارفرماها، بیش از پیش زندگی کارگران را به ورطه نابودی کشانیده است. در چنین شرایطی دامنه

اعتراضات کارگری در ایران ابعاد وسیعی به خود گرفته است. برای مقابله با اعتراضات، برای جلوگیری از گسترش و ارتقا و سراسری شدن مبارزات، رژیم اسلامی سرمایه یک راه بیشتر نمیشناسد و آن سرکوب علنی تجمع کارگران با استفاده از اوباشان چماقدار و مزدوران نظامی اش است. اعتراضات کارگری پس از کشتار خاتون آباد در بهمن هشتاد و دو بارها شاهد توسل به این شیوه از سوی رژیم ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی بوده است، حمله به کارگران شرکت واحد در تهران، فرشبافی بابلسر، پرریس سنندج، پوشینه بافت قزوین و بندر دیلم تنها مشتی از خروار است. در بندر دیلم بوشهر نیز یکی از کارگران بنام بارون حقیقت در اثر تیر اندازی مزدوران در تاریخ سیزده آبان امسال جان باخت. با این وجود اما، حمله و تیراندازی، به گلوله بستن تجمع کارگری و کشتار آنها در خاتون آباد و بندر دیلم، نه تنها کارگران را مرعوب نکرده است بلکه بر عکس عزمشان برای مبارزه در جهت رسیدن به مطالبات ریز و درشتشان و این بارحتی متشکل

ترفرونی یافته است. حرکت برای ایجاد تشکلهای کارگری چشمگیر شده است، کارگران واحد آن را ساختند و تلاش فعالین کارگری در جهت ایجاد آن در دیگر مراکز کارگری افزایش یافته است. تجربه مبارزات کارگری سالهای اخیر نشان داده است که نه تنها هر گام پیشروی جنبش کارگری در جهت رسیدن به کسب مطالباتش در گرو ایجاد تشکلهای طبقاتی خویش است بلکه جلوگیری از کشتار کارگران نیز به آن گره خورده است، به عبارت دیگر میتوان با اطمینان گفت با ایجاد تشکل میتوان به کشتار کارگران خاتمه داد.

چهارم بهمن، روز تجدید عهد در جلوگیری از تجاوز به حقوق کارگری، روزیافتاری بر معرفی و محاکمه امرین و عاملین کشتارهای کارگری و روز تجدید خاطره با تمامی کارگران جانباخته را گرامی بداریم.\*

### چهارم بهمن، روز جانباختگان جنبش

کارگری گرامی باد!

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی

کارگری

۲۶ دیماه ۱۳۸۵

## دعوت از همه شکل ها و

## فعالین جنبش کارگری برای "اتحاد عمل"

## حول مبرمترین مسائل و

## معضلات جنبش کارگری

این حقیقتی است که، جهان سرمایه و سرمایه داری را هیچ چیز جز انباشت فزاینده و نجومی سرمایه و سود بیشتر و بیشتر به وجد نمی آورد و به تحرک و تکاپو وادار نمی کند. اگر چه این ثروت اندوزی بی حساب و انباشت لجام گسیخته ی سرمایه، خود به قیمت استثمار وحشیانه ی کارگران و خانه خرابی و فقر مطلق آنان تمام شود و اگر چه این مسئله، حاصلی جز سیه روزی و دربدری، فلاکت و بی خانمانی و رنج و حرمان، و حتی محرومیت از ابتدائی ترین حقوق و مطالبات انسانی، برای خیل عظیمی از فروشندگان نیروی کار به ارمغان نیآورد. و این خود، عین

هجوم می برند و آنرا از جوانب و زوایای مختلف به خطر می اندازند. شدت کار و اضافه کاری اجباری را حتی برای روزهای تعطیل به کارگران تحمیل می نمایند، به بهانه ها و ترفندهای مختلف از پرداخت انواع بیمه های اجتماعی، از جمله بیمه ی بیکاری مکفی تا زمان بازگشت به کار دریغ می ورزند. کارگران را از حق ایجاد تشکل های آزاد و غیر دولتی کارگری، حق آزادی بیان و اجتماعات، راهپیمایی و اعتصاب- بعنوان ابزاری برای دفاع از خواست ها و مطالبات برحق خویش- محروم می سازند و هزار مصیبت دیگر که بابت پر کردن جیب های گشاد خویش، نصیب کارگران می نمایند. و آن زمان که کارگران در قبال این همه بی حقوقی و محرومیت زبان به اعتراض می گشایند و به دفاع از منافع طبقاتی و حقوق حقه ی خویش برمی خیزند، پاسخ آنان را با تهدید، ارباب و بازداشت و زندان می دهند.

منطق سرمایه داری است، که در مقابل چشمان حیرت زده ی میلیون ها کارگر و همه ی انسان های شریف و آزادیخواه و عدالت طلب جامعه اتفاق می افتد و بیش از پیش عرصه را بر کارگران بعنوان تولیدکنندگان همه ی نعمتهای بشری و تمامی ثروتهای جامعه، تنگ و تنگ تر می سازد. آری سرمایه داری، دقیقاً در راستای انباشت سیری ناپذیر سرمایه و تأمین سود سرشار خویش، چه بی حقوقی و چه رنج ها که نصیب کارگران نمی کند و چه مصیبت ها که در حق کارگر روا نمی دارد.

دستمزد های بمراتب پائین تر از خط فقر را به کارگران تحمیل می کنند، و حتی همان دستمزدهای بخور و نمیر را نیز برای ماه های متمادی و گاه چندین و چند سال به تعویق می اندازند و در برخی موارد اصلاً پرداخت نمی کنند. با تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء، بیکارسازی و اخراجهای فردی و دسته جمعی، به امنیت شغلی کارگران

# از میان خبرها

تنظیم: شروین رها

## افغانستان برای دختران و زنان

از افغانستان همچنان خبرهای فاجعه باری میرسد. بسیاری از خانواده ها بخاطر فقر و گرسنگی ناچار از فروش فرزندانیشان و در حله اول دخترانشان هستند. بسیاری از روستائیان که هیچ منبع درآمدی ندارند دختران خردسالشان را در مقابل دریافت مبلغی پول، نقدی یا به صورت اقساط واگذار میکنند تا مگر چند صباحی بتوانند امرار معاش کنند. نرخ متوسط فروش دختران بین دو تا سه هزار دلار است. تعداد روستائیان افغانستان که در فقر مطلق بسر میبرند طبق آمارهای رسمی دو و نیم میلیون نفر بر آورد شده اند. در این رابطه رئیس شورای محلی یکی از روستاها بنام هووچا در مصاحبه ای اظهار داشت که خانواده ها با احساس ناامیدی و یاس روبرو شده اند، فقر و تنگدستی فراگیر شده است، به فروش فرزندان افتخار نمیکنند ولی چاره ای به جز این ندارند. سازمان ملل و سازمان نظارت بر برنامه جهانی غذا، خشکسالی و افزایش قیمت گندم تا سی و پنج درصد را علت این امر دانسته اند.

خبر دیگری حاکی از این است که تنها در سال جاری شصت و سی و هفت مورد خودسوزی در میان زنان ثبت شده است. این آمار رسمی نتیجه تحقیقات دفتر مدیکا موندیال و کمیسیون مستقل حقوق بشر است. خودسوزی زنان در کشورهای با قوانین اسلامی به چنان معضلی تبدیل شده که هشت کشور ایران، عراق، هندوستان، بنگلادش، ازبکستان، تاجیکستان، سریلانکا و افغانستان را در کابل در یک کنفرانس سه روزه به دور هم جمع کرد. وجود سنتهای واپسگرا در خانواده ها، تشدید آن بوسیله قوانین ارتجاعی اسلامی و در حله اول عدم استقلال اقتصادی زنان، چنان عرصه را بر آنان تنگ کرده که اجبارا با خودکشی و خودسوزی سعی

در خلاصی از یک زندگی نکبت بار دارند.

برخلاف اظهارات و سیاستهای عوامفریبان بورژوا در پشت شعار دموکراتیزاسیون و خوشبینان چپ در پس شعار مدرنیزاسیون که از حمله نظامی آمریکا و متحدین به افغانستان با توجیه حذف اسلام سیاسی در آنجامشعوف شدند، در افغانستان نه تنها کماکان قوانین اسلامی حاکم است بلکه حتی دولت کرازی، دولت دست نشانده آمریکا، از بسیاری از طالبانها برای همکاری و شرکت در قدرت دعوت کرده است. اتحاد ضد ترورتنها پوششی برای امنیت دولتها و نه حتی شهروندهای کشورهای غربی که بار هزینه های جنگی بدوششان تحمیل شده است، بود. مردم زحمتکش در افغانستان یکی از قربانیان اصلی نظم جدید سرمایه داری جهانی بیش نیستند. در کنار تحمیل فقر و فلاکت، بیشترین قربانی درگیریهای نظامی، اهالی غیر نظامی هستند که بنا به آمار رسمی سخنگوی ناتو در افغانستان، تعداد آنها در سال جاری یک هزار نفر ثبت شده اند.

## اعدام صدام، اهداف سیاسی

به موازات درگیریهای روزمره دستجات و گروههای مذهبی و قومی، و نیز حضور ارتش آمریکا و فاجعه کشتار اهالی غیر نظامی در عراق، حلق آویز کردن صدام حسین، دیکتاتور عراق و پخش آن در رسانه ها در صدر خبرهای جهانی پایان سال میلادی ۲۰۰۶ بود.

اعدام و صحنه دارزدن صدام حسین بوسیله دولت آمریکا و حکومت اسلامی دست نشانده اش در عراق در معرض دید جهانیان، اظهار نظرها و عکس العملهای بیشماری را در برداشت. دارزدن یا حلق آویز کردن که شیوه حکومتهای اسلامی است در ساختمان وزارت دفاع سابق که در اختیار ارتش آمریکا است صورت گرفت و تعدادی از طرف دولت مالکی نیز حضور داشتند. در رابطه با فیلمبرداری و برخورد لفظی با صدام نیز گزارشات متناقضی ارایه شد نحوه اعدام هم از انتقادهایی بود که بر برپاکننده گانش گرفته شد در همین رابطه. در گزارشات

## به پیش!

خبرگزاری فرانسه نیز صحبت از ایجاد صحنه دار بوسیله بچه ها در مدارس کشورهای غرب پس از دیدن تصاویر آن برصفحات تلویزیون و مرگ هشت کودک در این رابطه شده بود.

ظاهر قضیه این است که با رویداد یازده سپتامبر در آمریکا و تشکیل اتحاد ضد ترور دولتها، به کشور عراق نیز به بهانه تولید سلاح شیمیایی در آنجا لشکر کشی شد، صدام حسین رئیس حکومت دیکتاتوری حزب بعث عراق در منطقه تکریت دستگیر شد و به خاطر کشتار مردم عراق در دادگاه به اعدام محکوم شد و حکم در سی ام دسامبر به اجرا در آمد. اما این در واقع به حقیقت ماجرا ربطی نداشت. نه حمله نظامی به عراق ربطی به خواباندن ترور داشت، نه دادگاه محاکمه صدام حسین دادگاهی آشکار برای بررسی یک دوران دیکتاتوری در عراق بود و نه اعدام وی به جرم رئیس این دیکتاتوری بود. کل ماجرا و سیاست حاکم بر آن در چهارچوب تامین منافع امپریالیستی و اینجا امپریالیست آمریکا در دوره معین تاریخی (نظم نوین امپریالیستی) بود. برای تبیین مشخصات این دوره شما را به نشریه بارو (شماره اول، آبان ۱۳۸۰) رجوع میدهم.

محاکمه صدام حسین در دادگاهی غیر علنی که از طرف دولت آمریکا هدایت و نظارت میشد صورت گرفت، جریان این دادگاه حتی وکلای صدام حسین را بر نتابید (سه نفر از آنها ترور شدند)، در دادگاه صحبتی از نحوه روی کار آمدن دیکتاتوری در عراق، صحبتی از دلایل لشکرکشی آمریکا و انگلستان و ماجرای تولید سلاحهای شیمیایی، صحبتی از همکاری جهانی رژیم صدام حسین نشد. دادگاه صدام حسین در بهترین حالت به دادگاهی بی سروصدا برای یک مجرم عادی با تعدادی شاکی خصوصی شبیه بود. از دستگیری صدام حسین تا جلسات فرمایشی محاکمه او و بالاخره دارزدنش در هدایت دولت امریکا و در راستای مقاصد سیاسی اش بود.

پروسه به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق و کشتار مخالفین، خلق جنگ رژیمهای ارتجاعی بعث عراق و جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۸

## از میان خبرها

ایران در منطقه که طی آن میلیونها انسان کشته، زخمی و معلول شدند و تولید و تامین سلاح و گازهای شیمیایی که آثار بکارگیری آن توسط صدام و رژیم بعث، غیر از کشتن حد اقل پنج هزار نفر در حلبچه، هنوز بر بدن مردم آنجا منقوش است، با همراهی و پشتیبانی امریکا و سایر دولتهای امپریالیستی در غرب ممکن شد. همزمان با حمله نظامی امریکا به عراق تحت عنوان جلوگیری از تولید سلاحهای شیمیایی کم نبودند روزنامه‌هایی که در سطح بین المللی رابطه سلاحهای شیمیایی عراق با شرکتهای مستقر در غرب را افشا کردند. در همان زمان روزنامه ای در آلمان (فرانکفورت روند شاو) در طرح و تامین سلاحهای شیمیایی در عراق از تعداد تنها یکصد و بیست شرکت در امریکا و هشتاد شرکت در آلمان نام برد. سمبل کردن دادگاه فرمایشی صدام حسین دیکتاتور و مهندسی صحنه دازدانش چند خاصیت سیاسی با اهمیت برای امپریالیست امریکا در برداشت. محو اسناد جنایات ضد بشری در عراق توسط دولت های امپریالیستی و رژیم بعث در بیش از سه دهه تنها یکی از آنها بود. در حالی که طبق شواهد از هنگام حضور نظامی امریکا در عراق فقط نزدیک به هفتصد هزار نفر از مردم غیر نظامی آنجا کشته شده اند، روزانه در خیابانها از کشته پشته میسازند و بن بست سیاسی امریکا بر همگان و از جمله نزد برپاکننده گانش واضح است، اعدام صدام در چنین شرایطی برای امریکا حکم شمشیر دو سویه دارد. تقویت روحیه لشکر شکست خورده و بازسازی دوباره آن، تشدید درگیریهای نظامی به منظور توجیه حضور نظامی ارتش امریکا و افزایش آن. روشن است که نوع اعدام کردنش هم تبیینی از مدل دموکراسی ایده آل امپریالیست امریکا برای جامعه عراق است.

**امریکا، پرواز با بالهای شکسته**  
در اواخر ژانویه، واشنگتن شاهد

## به پیش!

تظاهرات بزرگ دهها هزار نفری بر علیه جنگ و سیاستهای جرج بوش و حزب حاکم جمهوریخواه بود. شعار اصلی تظاهرات خروج فوری سربازان امریکایی از عراق بود. طبق آمار رسمی تعداد سربازان کشته شده امریکایی از آغاز حمله امریکا به عراق تا کنون سه هزار و هفتاد نفر و تعداد مجروحین دویست هزار نفر میباشند. در حالی که بنا به دلایل عیدیه از جمله افزایش بدهی های امریکا، شکست سیاسی در عراق، نارضایتی هفتاد درصد از شهروندان امریکایی و غیره حزب جمهوریخواه و جرج بوش تحت فشار هستند لذا همچنان از افزایش نیروهای نظامی در عراق صحبت میشود. جرج بوش رسماً اعلام کرد که در هر حال، حتی اگر کنگره و اکثریت آن مخالف باشند، طرح اعزام بیست و یک هزار و پانصد نفر سرباز تازه نفس امریکایی به عراق اجرا خواهد شد. وجود اینکه حزب دموکرات هم که در دو مجلس سنا و نماینده گان اکثریت کرسیها را بدست آورد و اینجا و آنجا از سیاستهای جرج بوش و جمهوریخواهان انتقاد میکند و چه بسا خروج نیروهای نظامی از عراق یکی از تمهای اصلی اش برای انتخابات اتی باشد، لذا رهبری اش تاکید دارد که با قطع هزینه های جنگی موافق نیست. شکی در آن نیست که دو حزب امریکا، هر چند با دو سیاست متفاوت ولی استراتژی واحدی دارند.

امپریالیسم امریکا، پس از جنگ جهانی دوم با ضعف اروپا و ژاپن که در حال باز سازی بودند، به مثابه سرکرده سرمایه داری غرب و حریف اصلی بلوک شرق در فعل و انفعالات جهانی نقش مهمی داشت و هر گونه شکل گیری سیاست دولتها از کانال این رقابت میگذشت. با عروج بحران مالی جهان سرمایه داری و تجدید نظر در در طرح کینز، ضعیفترین حلقه آن یعنی سرمایه داری دولتی و از جمله بلوک شرق ریزش کرد و این برای سرمایه داری امریکا فرجه ای به منظور اعمال رهبری و قدرت بلامنازع در جهان بود. امریکا عهده دار نظم نوینی شد که در غیاب نیروی ورشو، ناتو میبایست آن را پوشش دهد. بدین منظور نیروی نظامی ناتو به سرکردگی امریکا در

زمان زمامداری بوش پدر و حزب جمهوریخواه از سر مستی فروپاشی بلوک شرق، نظم نوین جهانی را با ریختن بمب بر سر مردم عراق اعلام کرد. وبالکان در زمان کلینتون و حزب دموکرات پس از آن میدانی برای این استراتژی گردید. این عرصه ها محکی بود برای سیاستگذاران هر دو حزب. نهایت حاکمه امریکا که شکل گیری نظم جدید را ارزیابی کنند. با گذشت یک دهه از پایان جنگ سرد و شکست سیستم دولتی در برابر بازار آزاد نه تنها نظمی برقرار نشد بلکه رویاهای امپراتوری جهانی امریکا دود شد و به هوا رفت چرا که با اضمحلال رقیبی حریفان تازه نفسی سر در آوردند. زمینه های عروج نظامیگری با رویداد یازده سپتامبر فراهم شد و این بار حزب جمهوریخواه به زمامداری فرزند خلف بوش، جرج دبلیو عهده دار پاسخگویی به ضرورتی شد که پدر آغاز کرده بود رقابت میدان سیاسی جهان به حادترین شکلش یعنی نظامیگری مبدل شد و حریفان امریکا هر یک در این عرصه به سرمایه گذاری کلان پرداخته اند، روسیه، چین، اروپا و ژاپن در تدارک ارتشهای خویشند. با وجود افت اقتصاد امریکا در قبال قدرتهای جدیدتر، در عرصه نظامیگری امپریالیسم امریکا میتواند پرواز کند، ولی با بالهای شکسته.\*

Editor: Iraj Azrin

سردبیر: ایرج آذرین

editorbaroo@yahoo.se

هیات تحریریه:

احسان کاوه

رضا مقدم

سودابه مهاجر



## چاره چیست؟

تا اندازه ای مبارزاتشان متشکل و سازمان یافته انجام گرفته، از یکدیگر به اشکال متفاوت پشتیبانی کرده، صندوق اعتصاب به وجود آورده و توده مردم را مورد خطاب قرار داده اند. کمیته حمایت از اعتصاب با یاری اقشار دیگر ساخته اند، توانسته اند پیشرفتی داشته باشند و به برخی از حقوقشان هم دست یابند. به طور خلاصه آنها اکنون در نوشته ها و اعلامیه های خود اعلام می کنند که ما هم سرنوشتان که از این وضعیت نصیبمان رنجمان است، متشکل نیستیم و سازمان طبقه ای، توده ای و سراسری خودمان را نداریم. این آن علت اصلی است، این آن حلقه اصلی زنجیر است و تا این حلقه را در دست نگیریم، شاید در این جا و آنجا به برخی از خواسته هایمان برسیم ولی این ها نمی توانند جوابگوی وضعیت حاضر باشند و یک زندگی لایق انسان معاصر را تدارک ببینند. اگر نه، گرچه این درست است که سرمایه داران بر ابزار تولید مسلطند؛ این درست است که سرمایه داران دولت و نیروی سرکوبگر دارند که ما را خفه کنند، حتی به خانواده و کودکان و پدران و مادران پیر ما هم رحم نکنند؛ این درست است که آنها بوسیله قانون و زندان ما را شکنجه می دهند و فعالین و رهبران ما را زندانی می کنند و مورد تعرض قرار می دهند و حتی اقدام به بریدن زبانشان هم می کنند؛ اما ما کارگران این را نیز دیده ایم و در واقعیت روزمره دریافته ایم که وقتی به طور دسته جمعی حتی در یک مرکز تولیدی اعتراض می کنیم؛ دست به اعتصاب می زنیم؛ زمانی که مراسم های ضد کارگری خانه کارگر را به ضد سرمایه داری تبدیل می کنیم؛ وقتی که اعلام می کنیم که خانه کارگر و شوراهای اسلامی منحل باید گردند؛ آن گاه سرمایه داران و دولتشان کمی نرم می شوند و دیگرما را مانند قبل تهدید، سرکوب و زندانی نمی کنند.

حال باید به این سئوالات هم جواب داد که این تشکیلاتها چگونه ساخته می شوند؟ دارای چه ماهیتی هستند؟ این

که تشکیلات کارگر در صحنه عمل چگونه ساخته می شوند را فقط خود کارگران و فعالین جنبش کارگری در داخل می توانند جواب دهند، اما می شود به چند نکته هر چند در سطح کلی اشاراتی نمود. تشکلات کارگری در شرایط مختلف اجتماعی از راههای گوناگون به وجود می آیند. همه دارای یک شکل نیستند و به یک شیوه ساخته نمی شوند. این تشکل ها، در شرایط حاضر در جامعه ایران، بوسیله خود کارگران و بدون دخالت سرمایه داران و عوامل آنها، مستقل از دولت و بی توجه به قوانین موجود جمهوری اسلامی ساخته خواهند شد. این تشکلات وسیله مبارزه طبقاتی کارگران بر علیه سرمایه داران و حامیان آنها هستند. به عبارت دیگر این تشکلات نه تشکلات ایجاد کننده صلح بین کارگران و سرمایه داران و یا تشکلات تأمل و تساهل طبقاتی بلکه تشکلات ستیز طبقاتی هستند و گرنه در نهایت تشکلاتی خواهند بود مانند اغلب اتحادیه ها که امروزه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری موجودند و بیشتر از اینکه منافع کارگران را در نظر بگیرند، به دستگاههای بوروکراتی بر بالای سر کارگران تبدیل شده اند. مبارزه کارگران را به بیراهه و به خدمت سرمایه سوق می دهند و در شکل بدش شبیه تشکیلاتی مثل خانه کارگر و یا شوراهای اسلامی خواهند بود که اولاً موجودند و دوماً همان طوری که کارگران در عمل شاهد بوده اند، جز برای شناسائی کارگران مبارز و به انحراف و به شکست کشاندن مبارزات شان و شرکت فعالانه در سرکوب و شکنجه فعالان کارگری و حتی به قتل رساندن آنها به همراه دیگر نیروهای سرکوب و وظیفه ی دیگری نخواهند داشت. امروزه در ایران هستند تشکلاتی که با نیروی کارگران ساخته شده و برای خواست های کارگران مبارزه می کنند. ولی اگر در شرایط کنونی به خواهیم به یک نمونه توده ای از این تشکلات دارای اهمیت اجتماعی که با استراتژی تکیه بر نیروی کارگران ساخته شده اشاره کنیم، می توانیم سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و

حومه را مثال بزنیم. ولی این تشکل نیز با وجود توده ای بودن از یک کمبود مهم رنج می برد و آنهم سراسری نبودن آن یعنی در سطح کل کارگران شرکت واحد در سراسر ایران است. دیگر اینکه، سندیکای شرکت کارگران واحد تهران و حومه فقط یک مثال است که نشان می دهد، چگونه کارگران موفق شدند که تشکل توده ای کارگری را در دل خفقان و دیکتاتوری اسلامی سرمایه ایجاد کنند و با مبارزه و دست و پنجه نرم کردن با کارفرما و دولت آثرا حفظ نمایند. این اولین تشکل توده ای کارگری در چنین شرایطی است که بوسیله ی کارگران و بر علیه تصمیم کارفرما و دولت بوجود آمده است. سندیکای کارگران شرکت واحد، می تواند با تشکلات آینده ای که ساخته می شوند هم از نظر شکل و هم از نظر محتوای برنامه و اساسنامه، بدلیل تجربه و آگاهی بیشتر کارگران و فعالان و رهبران عملی آنها، فرق هائی داشته باشد. اما به نظر می رسد که جز اینکه کارگران دیگر مراکز کارگری نیز مانند کارگران شرکت واحد، با توسل به نیروی طبقاتی خود و به یاری طلبیدن دیگر جنبش ها و اقشار، تشکل های خود را ایجاد کنند و در طی یک پروسه و با مبارزه به طبقه سرمایه دار و دولتش تحمیل نمایند، راه دیگری موجود نیست. با ایجاد تشکل های کارگری و در حین به وجود آوردن چنین تشکلاتی است که می شود بر جو کلی جامعه تأثیر گذاشت، محیط اجتماعی را برای آزادیهای دموکراتیک مانند آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی احزاب و غیره آماده کرد جامعه را به جلو راند. نیروهای سرمایه ی ارتجاعی و ضد انسان را به هزیمت واداشت. واقعیت های کنونی این را می گویند که یا طبقه کارگر موفق به ایجاد تشکلات توده ای و سیاسی خود می شود و با نقشی که در تولید جامعه ایران دارد، پیشا پیش همه ستم دیدگان قادر به ایجاد جامعه ای بدون فقر، گرانی، فحشاء می گردد یا سرمایه داری با به عقب راندن کارگران جامعه را به بربریتی که تا کنون به خود ندیده است، می کشاند.\*

## به نقل از سایت پیام

قرار است محمود احمدی نژاد روز شنبه برای افتتاح خط ال ۹۰ به شرکت ایران خودرو برود برای همین کارگران شرکتهای پیمانکاری ایران خودرو تصمیم گرفته اند مثل دانشجویان دانشگاه امیر کبیر رودرروی احمدی نژاد بنشینند و مشکلات خود را مطرح کنند.

## فراخوان کارگران پیمانکار شرکت

## ایران خودرو

جوانان نسل انقلاب و کارگران پیمانکار ایران خودرو

برادران و خواهران زحمتکش روز شنبه آقای رئیس جمهور احمدی نژاد به شرکت ما خواهند آمد ایشان می آیند تا خط ال را رسماً در سالگرد انقلاب افتتاح کنند ایشان می آیند پا روی آرمانهای هزاران جوان که برای قطع وابستگی به سرمایه داران جهانی و در صدر آن آمریکای جنایتکار جان خود را فدای انقلاب کردند بگذرد و نماد یکی از کشورهای امپریالیستی فرانسه و یک شرکت تراست بین المللی را افتتاح کنند ایشان می آیند تا مرگ تولیدات داخلی را رسماً اعلام کرده و وابستگی ایران را به جهانیان و سازمان تجارت جهانی اعلام کنند. ما کاری به این نداریم. حرف ما از رئیس جمهور این است تا کی ما باید زیر ستم شرکتهای پیمانکاری استعمار خواهیم شد رئیس جمهور که هر روز از این شهر به آن شهر مسافرت می کنند از کشورهای انقلابی دیدن می کنند ولی وقتی به شرکت ما می آیند مخفیانه می آیند چرا هیچ رئیس جمهور حاضر نمی شوند پای درد دل ما بنشینند ولی وقتی که می خواهند رای جمع کنند ما در اولویتیم برادران حتماً رئیس جمهور که مدعی دولت پاسخگو هستند به سوالات ما جواب خواهند داد ایشان باید قبل از افتتاح ال ۹۰ به ما جواب بدهند که تا کی ما امنیت شغلی نخواهیم داشت.

برادران و خواهران زحمتکش نود و نه درصد ما کارگران پیمانکار متولدین زمان انقلاب هستیم یعنی در ست زمانی که هزاران جوان جان

خود را فدای انقلاب می کردند ما به دنیا آمدیم ما فرزندان این انقلابیم انقلابی که قرار بود ریشه ظلم و ستم را بکند انقلابی که قرار بود به ما کار مسکن آزادی و نان شرف و عزت بدهد ولی امروز چه نصیب ما شده است. کارگر پیکی کارگر برده و بیکاری و استعمار تولد هزاران شرکت پیمانکاری لغو استخدام داریم و رواج قراردادهای موقت و بهره کشی از ما جوانان نسل انقلاب ما از رئیس جمهور می خواهیم به ما جواب بدهند آیا این بود سهم پدران ما از انقلاب آیا این بود که متولدین ۵۷ کارگر باشند و آنهم کارگر پیمانکار و پیکی امروز حتی ما را در جای پدرانمان که روزی کارگر ایران خودرو بوده و استخدام رسمی بودند قرار نمی دهند. ما از رئیس جمهور خواسته های داریم که ایشان به عنوان رئیس دولت باید جواب بدهند. برای همین به دیدار رئیس جمهور می رویم و در مراسم افتتاح ال ۹۰ مشکلات خودمان را مطرح می کنیم.

برادران وعده ما روز شنبه ۲۱ بهمن ماه ساعت ۹ جلو درب ورودی تونل کارگران پیمانکاری ایران خودرو روز شنبه احمدی نژاد برای افتتاح خط ال ۹۰ به ایران خودرو می رود

جمعی از کارگران ایران خودرو: طبق خبرهای رسیده از منابع موثق محمود احمدی نژاد برای افتتاح رسمی خط ال نود به شرکت ایران خودرو می رود چند سال پیش بعد از ختم تولید خط پیکان خاتمی بعد از چند روز رسماً تولید پیکان را متوقف کرد در آن روز خاتمی جرات نکرد رسماً به خط پیکان رفته و در حضور کارگران خط تولید پیکان را متوقف کند چون کارگران خط پیکان مخالف توقف خط پیکان بودند و برای همین تصمیم گرفته بودند به خاتمی اجازه توقف پیکان را ندهند و برای همین خاتمی از رفتن به خط پیکان خوداری کرده و به جای خود و پیش قراول وزیر صنایع وقت جهانگیری را به نمایندگی خود به خط پیکان فرستاد و مدیریت از ترس کارگران آروز کارگران خط پیکان را تعطیل کردند حالا بعد از گذشت چند سال و به مناسبت آماده شدن خط ال ۹۰ و افتتاح اولیه آن چند روز پیش با

## به پیش!

حضور وزیر صنایع طهماسبی این بار احمدی نژاد روز شنبه برای افتتاح آن رسماً به شرکت ایران خودرو خواهد رفت و کارگران ایران خودرو منتظر ایشان هستند تا گپ خودمائی با او داشته باشند.\*

## جمعی از کارگران شرکت

## پترو ماد شیمی پالایشگاه

## عسلویه درب ورودی شرکت

## را بستند

## به نقل از سایت اتحاد

در نتیجه ناتوانی شرکت پترو ماد شیمی در انجام تعهداتش، پروژه های مورد قرارداد این شرکت از آن پس گرفته شد و ۱۵۰ کارگر آن بدون دریافت دستمزدهایشان سر گردان شدند. در پی این وضعیت و در نتیجه اعتراض کارگران، پنج شنبه گذشته شرکت ۰۱ که شرکت مادر در فاز ۹ و ۱۰ پالایشگاه عسلویه میباشد، دستمزدهای ۱۲۰ نفر از کارگران شرکت پترو ماد شیمی را پرداخت نمود و بدین ترتیب کارگران باقی مانده بدون دریافت دستمزدهایشان و بدون جای خواب و ناهار آواره شدند.

این کارگران امروز ساعت ۳۰/۱۰ صبح در اعتراض به وضعیت خود، درب ورودی شرکت ۰۱ را تا ساعت ۱۲ ظهر بستند. با اقدام کارگران در جلوگیری از ورود و خروج از شرکت ۰۱، نیروهای حراست و اطلاعات در صحنه حاضر شده و از کارگران خواستند تا به تحصن خود پایان دهند. بدنبال این وضعیت و مذاکراتی که بعمل آمد کارگران از بین خود سه نفر را بعنوان نماینده انتخاب کردند تا با شکایت از کارفرما از طریق دادگاه خواسته های خود را پی گیری کنند. این کارگران همچنین تا روشن شدن تکلیف شان، خواهان اختصاص محل خواب و ناهار برای خود شدند که قرار شد کارفرما امکانات لازم را برای آنها فراهم کند.

هیئت موسس اتحادیه سراسری

کارگران اخراجی و بیکار

۱۴/۱۱/۱۳۸۵

[www.ettehade.com](http://www.ettehade.com)

[k.ekhraji@gmail.com](mailto:k.ekhraji@gmail.com)

پر معنی برخوردار است و همچنین برای کلیه کسانی که در این قسمت سرمایه گذاری می کنند...".

امروزه در آمد حاصله از نفت ۷۰ درصد از درآمد صادراتی و ۹۰ درصد از درآمد دولت را عراق تشکیل می دهد. در آینده بر طبق گفته بوروکراتهای وزارت نفت عراق، ۴ شرکت نفتی سه چهارم از سود حاصله از تولید نفت را صاحب می شوند: ۲ شرکت آمریکایی به نام ایکس ایکسون-موبایل (Exxon-Mobile) و کورون (Chevron) . شرکت انگلیسی بی پی-آماکو (BP-Amoco) و رویال داچ شل (Royal Dutch Shel). ۴ شرکتی که امروزه بر بازار نفت جهان مسلط هستند. قراردادهایی که صدام با کشورهای چین و روسیه در دهه ۱۹۹۰ منعقد کرده بود، غیر قانونی اعلام شدا اند. با ضافه دستورات مستعمراتی قبل از ۱۹۵۸ یعنی قبل از انقلاب ضد استعماری عراق دوباره قابل اجرا می شوند. عراق ۱۰ درصد دخایر نفتی جهان را دارا است.

**مای ویشلمن - Maj Wechselmann**  
روزنامه آفتون بلادت ۱۶ - ۱ - ۲۰۰۷

منابع : Peak Oil, Global policy, Washington Post 10 jan 2007, The Independent 7 jan 2007

**آدرسهای تماس مستقیم**

با

**اتحاد سوسیالیستی کارگری**

**wsu@home.se**

**کمیته خارج:**

**wsu-t.xarej@home.se**

**تلفن:**

**0046-739-397-143**

مدت ۶ ماه در وزارت خانه نشستند و همدیگر را بدرقه کردند. یکی از این شرکت ها بنام بیارینک پوینت (Bearing point) نام دارد. این شرکت بزرگترین کمک کننده پولی به بوش در انتخابات اخیر بود که اکنون پیشنهاد قانون جدید را در ۴۰ صفحه آماده کرده است. روزنامه انگلیسی ایندپندنت (The Independent) که این پیشنهاد را خوانده، می نویسد که این پیشنهاد قانونی با طرح اولیه ای که از سوی گروه "نفت و انرژی عراق" که از جانب وزارت کشور آمریکا تعیین شده بود و در اکتبر ۲۰۰۲ یعنی نیم سال قبل از اشغال عراق تهیه شده بود، فرق چندانی ندارد.

در این پیشنهاد قانونی، مهمترین مسئله و قبل از همه چیز در باره قراردادهای طولانی مدت هست که بحث می شود. تصویب این قانون، عراق را مجبور می کند که قراردادهای ۳۰ ساله نفتی به بندد. این نوع قراردادهای ویژه، در زیر مجموعه قراردادی بنام قرارداد در باره تقسیم سود، PSA, Production Sharig Agreement قرار می گیرند، که امروزه بر فقیرترین و ضعیف ترین کشورهای دنیا از سوی شرکت های بزرگ نفتی تحمیل می شوند. با یاری گرفتن از پی اس آ، شرکت های بزرگ نفتی کشورهای فقیر را به مؤثرترین شیوه از درآمد و سودشان محروم می کنند.

برعکس عراق، کشورهای دیگر نفت خیز متشکل در اوپک از دخایر و شرکت های ملی نفت شان به سختی محافظت می کنند. اما عراق در سال های اخیر از خروج بی حد سرمایه، همچون فرارکردن روشنفکران و مهندسین از این کشور رنج می برد. شرکت بیارینک پوینت پیشنهاد خود را مبنی بر اینکه دولت عراق در آمد حاصله از فروش نفت خود را با شرکت های بین المللی نفتی تقسیم نماید، چنین تشریح می کند: "عراق برای تعمیر و مدرنیزه کردن تولید نفتی خود به کمک های اقتصادی فوری نیازمند است... این پیشنهاد برای همه ملت عراق از اهمیت زیاد و

## البته که بحث درباره

### نفت بود!

**به قلم مای ویشلمن**  
**ترجمه حمید قربانی**

"Stupid ! It is all about oil" احق، همه چیز فقط در باره نفت است. این اصطلاح روزمره در آمریکا بعد از سال ۲۰۰۳ است. (این در حالی بوده که در سوند روزنامه های لیبرال مانند اخبار روز در این ۳ سال مقاله پشت مقاله نوشتند که به هیچ عنوان بحث نفت مطرح نیست). اما اکنون می شود در این جا نیز از آن حرف زد، زیرا که متن پیشنهادی برای قانون جدید یعنی قانون هیدروکربونیک عراق (قانونی در باره نفت و گاز) که قبل از جنگ نیروهای متحدین بر ضد عراق، آمریکایی ها آنرا فرموله کرده بودند، علنی شده است. قانونی که در آینده، عراق را از درآمد حاصله از نفتش محروم کرده و کشور را بیشتر از هر زمان دیگری به فقر می کشاند. قانونی که با احتمال قوی از سوی دولت عراق تا آخر ژانویه امضاء خواهد شد.

اما آنها واقعاً در زمان اشغال عراق چه گفتند؟

تونی بلر در روز اشغال یعنی ۱۸ مارس ۲۰۰۳ گفت: "در آمدهای حاصله از نفت که این جا و آن جا گفته می شود که ما در پی اش هستیم، در یک حساب ذخیره برای مردم عراق پس انداز خواهد شد." کولین پاول در کنفرانس مطبوعاتی ۱۰ یولی ۲۰۰۳: "نفت، ذخیره پر ارزش مردم عراق است. ما عراق را به خاطر نفت اشغال نکرده ایم." "نفت به مردم عراق تعلق دارد، دولت عراق باید که از این ذخیره و نعمت پر ارزش حفاظت نماید" گفته بوش در کنفرانس مطبوعاتی ۱۴ یونی ۲۰۰۶.

بعد از اشغال عراق وزارت نفت این کشور بوسیله شرکت های بزرگ نفتی آمریکایی زیر فشار سختی قرار داشته است، مشاوران و راهنمایان آنها به

## کارگران فاز نه و ده پایتگاه عسویه دو ماه از دستمزدهای معوقه خود را دریافت کردند

۱۵۰۰ نفر از کارگران فاز ۹ و ۱۰ پایتگاه عسویه که روزهای ۱۷ و ۱۸ دی ماه در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه از دستمزدهایشان دست به اعتصاب زده و روز ۱۹ دی، طی توافقی با کارفرما به اعتصاب خود پایان داده بودند روز دوشنبه مورخه ۲۵/۱۰/۱۳۸۵ دو ماه از دستمزدهای معوقه خود را دریافت کردند. بر طبق توافق کارگران با کارفرما قرار شده است روز بیست بهمن ماه کارگران دو ماه دیگر از دستمزدهای معوقه خود را دریافت کنند. همچنین طبق این توافق کارفرما متعهد شده است ۲۵ اسفند ماه کلیه دستمزدهای معوقه کارگران را تسویه کند. \*

هیئت موسس اتحادیه سراسری

کارگران اخراجی و بیکار

۲۸/۱۰/۱۳۸۵

[www.ettehade.com](http://www.ettehade.com)

[k.ekhraj@gmail.com](mailto:k.ekhraj@gmail.com)

دانشجویی و آزادیخواهی و برابری طلبی اش مورد اذیت و آزار نیروهای اطلاعاتی واقع شده بود. و خانواده او تحت انواع فشار نیروهای اطلاعاتی بودند. بهروز یک چهره شناخته شده و محبوب در میان دانشجویان است. خبر دستگیری ایشان اکنون وسیعاً در دانشگاههای کشور پخش شده است. فعالین دانشجویی تلاش وسیعی را آغاز کرده اند تا این دانشجوی آزادیخواه را هر چه سریعتر و بدون قید و شرط آزاد کنند.

ما امضاکنندگان این بیانیه از تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب می خواهیم در کارزار آزادی فوری بهروز کریمی زاده شرکت کنند. رژیم جمهوری اسلامی با دستگیری و اذیت و آزار بهروز می خواهد از دانشجویانی که در دانشگاههای ایران در ۱۶ آذر یک برگ افتخار آمیز در بیان مطالبات حق طلبانه مردم آفرینند، انتقام بگیرد. نباید اجازه دهیم. باید این سیاست را خنثی کنیم! بهروز کریمی زاده باید فوراً آزاد شود!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه!

۲۲ دی ۱۳۸۵

\*\*\*

البته که این اعتراضات مؤثر افتاد و آدم زندان جمهوری اسلامی را مجبور به آزادی بهروز کرد. آنها نشان دادند که زبون تر از آن هستند که بتوانند در برابر اعتراضات دسته جمعی مقاومت کنند. آنها فقط توانستند ۴۸ ساعت بهروز را در زندان نگه دارند. برای آزادی بهروز این فقط رفقای دانشجویی نبودند که فعالان و دلیرانه اقدام کردند، بلکه از جانب طبقه کارگر نیز اعتراضاتی به این اقدام ضد انسانی مأموران خام اندیش و مجریان فرامین سرمایه انجام گرفت و عقب نشینی رژیم در این مورد دلیلی دیگر بر این است که اتحاد طبقه کارگر و دانشجو و... چقدر می تواند زمینه را برای به عقب راندن دولت دیکتاتور منش سرمایه آماده کند. ما این اقدامات به موقع را به همه فعالان دست اندر تیریک و دست مریزاد گفته و خودمان را در شادی خانواده و دوستان بهروز کریمی زاده شریک می دانیم.

به پیش!

بر گرفته از وبلاگ ۱۶ آذر

بیانیه دانشجویان برگزارکننده

۱۶ آذر دانشگاههای ایران

بهروز کریمی زاده را بدون قید و شرط آزاد کنید!

مردم آزادیخواه: دانشجویان، زنان، کارگران

بهروز کریمی زاده فعال دانشجویی دانشگاه تهران سه روز پیش توسط نیروهای اطلاعاتی در خیابان ربوده شده است! از تاریخ ۱۸ دی تا کنون هیچ کس خبری از بهروز نداشته است تا اینکه امروز از بند ۲۰۹ زندان اوین به بیرون خبر داده شد که بهروز در زندان اوین است.

وکلای بهروز کریمی زاده به دنبال خبر دستگیری وی تلاش نمودند تا از چگونگی دستگیری و اتهام وی اطلاعات لازم را کسب کنند اما هیچ مسئول قضایی تاکنون پاسخی به این اقدامات وکلای بهروز نداده است.

بهروز کریمی زاده بارها بخاطر فعالیت

بقیه از صفحه ۱۴

۷- اعتراض به شرایط غیر انسانی کار توسط کارگران جرم نیست.

۸- ما کارگران خواهان لغو فشار حکومت بر تشکل های کارگران، زنان، دانشجویان و کانون نویسندگان ایران می باشیم.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل

کارگری (منطقه غرب)

۶/۱۱/۸۵

[www.komiteyehamahangi.com](http://www.komiteyehamahangi.com)

قطعه نامه بمناسبت سالروز کشتار  
کارگران خاتون آباد شهر بابک  
کرمان:

۵- هر گونه استفاده ابزاری از دستگاه پلیس و نیروهای امنیتی برای سرکوب کارگران از طرف سرمایه داران را محکوم می کنیم.

۶- اعتراض حق پایه ای هر انسانی است و ما خواهان پایان هرگونه سرکوب، کشتار و ناامنی در محیط کارگری می باشیم.

## یاد چهار تن از جان گذشتگان معدن مس خاتون آباد را گرامی می داریم!

در سال هزار و سیصد و هشتاد دو، بیش از دویست کارگر معدن مس خاتون آباد شهر بابک کرمان، که در یکی از پروژه‌های ساختمانی این معدن به مدت نه سال مشغول به کار بودند، بیکار می‌گردند. از آنجایی که از طرف کارفرمای دولتی برای آنان کار دیگری در نظر گرفته نمی‌شود، کارگران این پروژه بعد از چندین بار مراجعه به مسئولین معدن و مقامات دولتی و یک سلسله کشمکش-های بی حاصل عاقبت در سرمای زمستان این سال، اقدام به تحصن در جلو درب محل کارشان می‌کنند.

هر روزه، همسران و فرزندان، خواهران و برادران، و مادران و پدران کارگران و جمعی از جوانان محل، این کارگران را از طلوع تا غروب آفتاب همراهی می‌کردند و شب هنگام به خانه‌هایشان می‌رفتند و کارگران هم به محیط کار برمی‌گشتند، تا شب را به روز برسانند. از همان آغاز تحصن، ارگان-های دولتی به اشکال گوناگون مزاحمت-هایی را برای کارگران و خانواده‌هایشان فراهم می‌آوردند، تا هر چه سریع‌تر آنان را مجبور نمایند دست از تحصن و مبارزه بردارند. این تحصن، پس از چند روز، از حمایت گسترده‌تر مردم محل و کارگران بخش-های دیگر صنایع و معدن مس شهر بابک کرمان به خصوص جوانان قرار گرفت.

این همبستگی، کارفرما و دیگر مسئولین دولتی را به هراس می‌اندازد. ابتدا ماموران دولتی زیر نظر فرماندار، شهردارنژاد، به آزار و اذیت کارگران می‌پردازند. این رفتار ماموران، طاقت کارگران را بسر می‌رساند. کارگران که دیگر جانشان به لب رسیده است، با ماموران دولتی درگیر می‌شوند. در جریان این درگیری، به گفته شاهدان عینی که در محل حضور داشتند، ارگان-های سرکوب‌گر جمهوری اسلامی از زمین و هوا (توسط هلی کوپتر) به کارگران و مردم حامی آنها تیراندازی می‌کنند.

طی این درگیری، نود و هشت نفر زخمی و چهار تن نیز کشته می‌شوند. خانواده‌های مجروحین و کشته شدگان و جمع مردمی که در بیمارستان-های شهر بابک کرمان ازدحام کرده بودند، اشک ریزان و با خشم به فرمانداری یورش می‌برند و نیروهای انتظامی را مجبور به عقب نشینی می‌کنند. مسئولین محلی با عجز و التماس و وعده وعید مردم را دعوت به آرامش می‌کنند. آنان با چرب زبانی و قسم و آیه، به خانواده‌های کارگران قول می‌دهند که قاتلین و عاملین این کشتار را معرفی و مجازات کنند. این درگیری تا نزدیکی‌های غروب ادامه می‌یابد.

سه سال ازین توحش نظام سرمایه داری حاکم بر ایران می‌گذرد. اما به رغم اعتراضات بسیاری که انجام گرفته است (هر ساله از طرف مردم و کارگران خاتون آباد و بخش-های دیگر طبقه کارگر در ایران و هم چنین فعالین کارگری در بسیاری از کشورهای دیگر سراسر دنیا با گردهمایی و اطلاعیه‌هایی، این روز گرامی داشته می‌شود)، تاکنون ارگان-های ذیربط و مقامات دولتی از معرفی قاتلین این کشتار به مردم و مجازات آنها خود داری کرده‌اند. تنها کاری که انجام داده‌اند، پرداخت خون بها به خانواده‌های سه تن از کشته شدگان این جنایت و هم چنین مبالغی جزئی به خانواده‌های بعضی از زخمی شدگانی که دیگر قادر به کار نیستند، است. اینان آن چنان وقیح اند، که خانواده یکی از کشته شدگانی را که حاضر به رضایت نشده است، توسط افراد خود مورد حمله قرار داده، شیشه‌های خانه شان را شکسته، و گاه و بی گاه خسارت‌هایی به آنان وارد می‌کنند.

این توحش نظام سرمایه دار حاکم بر ایران، این تعرض خون بار به طبقه کارگر، نه اولین و نه آخرین آن است. تا زمانی که این طبقه جان به لب رسیده، این حقیقت را که قدرتش در متشکل و متحد شدنش است، درک نکند و آن را به کار نگیرد، قادر نخواهد گشت حقوق و مطالبات انسانی و برحق خود را به طور مستمر و ماندگار به دست آورد و بر بروز چنین توحشاتی توسط رژیم سرمایه داری

جمهوری اسلامی سد محکم ببندد. جنبش کارگری ایران طی صد سال حیات خود، فراز و نشیب-های بسیاری را پشت سر گذاشته است. حتا اکنون، و در شرایط مختنق حاکم بر جامعه، نیز روزی نیست که کارگران در سراسر ایران اقدام به اعتراض، تحصن، اعتصاب، راه بندان، تظاهرات و از جان گذشتگی در راه تحقق خواسته‌های خود نکنند. ولی به رغم تمامی این جان فشانی-ها، به دلیل خشونت وحشیانه ارگان-های سرکوب‌گر رژیم جمهوری اسلامی از یک سو، و از سوی دیگر به دلیل فقدان یک تشکل طبقاتی و سراسری کارگری و پراکنده بودن این مبارزات، عمدتاً در

تحقق خواسته‌هایشان ناکام مانده‌اند. به رغم تمام این دشواری-ها فعالین کارگری در ایران همواره تلاش می‌کنند، تا این موانع را از پیش پای مبارزات خود بردارند. به همین منظور، فعالین کارگری خارج از ایران هم به طرق مختلف اقدام به فعالیت-هایی نموده‌اند، تا وضعیت طبقه کارگر ایران را با مردم و همکارانشان در محل زندگی و کارشان در میان بگذارند و حمایت و همبستگی آنان با کارگران ایران را فراهم آورند.

ما فعالین کمیته‌ها و کانون-های همبستگی در آلمان، ضمن گرامی داشت خاطره کارگران جانباخته در خاتون آباد شهر بابک کرمان، در چهار بهمن هزار سیصد و هشتاد دو، خود را جزئی از تلاش-های فعالین کارگری در ایران برای به محاکمه کشاندن مسببین این حادثه و نیز ایجاد تشکل طبقاتی و سراسری کارگری برای متحد و متشکل کردن کارگران و سازمان دادن مبارزات و تحقق مطالبات انسانی و برحق آنها می‌دانیم. \*

به امید همبستگی، منسجم و گسترده

تر بین المللی کارگری!

کانون همبستگی با کارگران ایران -

کلن

کمیته همبستگی با کارگران ایران -

هامبورگ

کانون همبستگی با کارگران ایران -

هاتوور

گروه همبستگی با جنبش کارگری -

برلن

## مرگ حدود ۴ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا در تهران طی ۱ ماه

به نقل از سایت پیک ایران

مشاور شهردار تهران در امور محیط زیست از بحران آلودگی هوا در تهران به عنوان یک خودکشی دسته جمعی نامبرده است. "محمد هادی حیدرزاده" مشاور شهردار تهران در امور محیط زیست روز دوشنبه در یک نشست خبری در جمع خبرنگاران گفت: طی آبان ماه ۴۵۰۰ نفر بر اثر سگته قلبی در تهران جانشان را از دست داده اند که علت مرگ ۸۰ درصد از آنان بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به دلیل آلودگی هوا بوده است. \*

متحقق و به کارفرماها و دولت تحمیل کرد و این آن امکان عملی است که در شرایط حاضر در ایران مقدور است و چنین شرایطی همیشه و در هر لحظه فراهم نمیشود.

مطالبات کارگری و از جمله افزایش دستمزد، خود میتواند پرچمی برای سازمان بخشیدن و سراسری کردن این امر یکی از راههای تحقق آن باشد. این، آن مرجع معتبری است که کارگران را قطعاً به سر منزل مقصودشان میرساند. \*

بهمن ۸۵

## تشکلهای کارگری

### تنها مرجع افزایش دستمزد

در آخر و همزمان با فصل تعیین حد اقل دستمزد سال آتی برای کارگران از سوی شورای عالی کار، تاکید بر این نکته ضروری است که نه تنها افزایش مزدی در کار نخواهد بود بلکه با اعتراضات پراکنده کارگران هم که در اکثر موارد، دستمزد معوقه نیز دارند کاری صورت نخواهد گرفت. تنها با ایجاد تشکل طبقاتی میتوان این امر را

## قطعنامه

### به نقل از سایت کمیته هماهنگی

امروز ۸ صبح جمعه ۶ بهمن ماه ۱۳۸۵ تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری منطقه غرب یادمانی را برای یاد کشتار کارگران خاتون آباد کرمان در سال ۸۲ در کوه آبیدر سنندج برگزار کردند. پس از تشریح کشتار کارگران خاتون آباد قطعنامه ای هم برای حاضرین قرانت شد که با استقبال آنان مواجه شد. متن قطعنامه بدین شرح است:

### قطعنامه بمناسبت سالروز کشتار کارگران خاتون آباد شهر بابک کرمان:

طبقه کارگر به قدمت تاریخ نظام سرمایه داری همواره برای احقاق حق خود در حال مبارزه و نبرد بوده است. نظام سرمایه داری بنا به ماهیت طبقاتی خود برای استثمار بیشتر کارگران هرگز حاضر به رعایت حقوق کارگران نبوده و ماهیت دژخیمی و سرکوبگرانه آن بر کسی پوشیده نیست. بر این اساس ما شاهد سرکوب و کشتار کارگران در طول مبارزات خود بوده ایم و این سرکوب حد و مرز جغرافیایی نمی شناسد و زمان مشخصی نداشته و ندارد یعنی در مقابل هر اعتراض کارگری چه در اروپا، آمریکا، ایران و سایر نقاط جهان سرکوبی وحشیانه در انتظار

به جان باختن یکی از کارگران و زخمی شدن تعداد دیگری می شود، با بوجود آمدن این وضعیت دامنه اعتراض به شهر بابک کرمان کشیده می شود و نیروهای امنیتی و نظامی از زمین و هوا به کارگران حمله میکنند و طی آن ۶ نفر دیگر کشته می شوند. کشتار کارگران خاتون آباد سندی دیگری از توحش و ددمنشی نظام سرمایه در تاریخ مبارزات برابری طلبانه و محقانه ی طبقه کارگر در جهت رسیدن به یک زندگی انسانی و رفاه نسبی بوده و این مبارزات زنده و پویا تا محو کامل طبقات ادامه خواهد داشت.

طبقه ی پرولتاریا بوده است. آسمان سرمایه داری در تمامی دنیا یکرنگ است و سرکوب کارگران درد مشترک کل طبقه ی کارگر جهان بوده و هست. طبقه ی کارگر ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مانند حلقه ای از این زنجیر همواره در طول تاریخ مورد سرکوب و کشتار قرار گرفته است. کشتار کارگران خاتون آباد شهر بابک کرمان، فعالین کارگری اول ماه مه سفز، سرکوب کارگران شرکت واحد تهران، شرکت ریسندگی پریس سنندج، کارگران بندر دیلم، نازنخ قزوین تنها نمونه های از هزاران مورد سرکوب کارگران در چند سال اخیر بوده است.

در این روز و در سالروز کشتار کارگران خاتون آباد ما جمع شده ایم تا با تجمع اعتراضی خود سرکوب کارگران را محکوم نموده و بدین وسیله یاد کارگران جانبازخته مس خاتون آباد و همه ی جانبازتگان راه رهایی طبقه کارگر را گرامی بداریم.

کارگران خاتون آباد کرمان در اواخر دی ماه ۸۲ جهت اعتراض به اخراج جمعی از کارگران همراه با خانواده هایشان، جاده منتهی به کارخانه را مسدود نموده و خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی شدند. اما بعد از ۹ روز اعتصاب با ادامه ی اعتراض کارگران، نیروهای انتظامی و یگان ویژه به کارگران حمله نموده و با آنها درگیری شوند. ادامه درگیری منجر

ما افراد حاضر در این جمع مطالبات خویش را بدین شرح اعلام میداریم:

- ۱- ما تجمع کنندگان خواهان محاکمه آمران و عاملان جنایت شهر بابک و پرداخت غرامت به خانواده های جانبازتگان می باشیم.
- ۲- ما خواهان لغو احکام صادره بر ضد کارگران و فعالین کارگری هستیم.
- ۳- سکوت محافل بین المللی در مقابل سرکوب کارگران و پابمال کردن حقوق انسانی کارگران توسط ماشین سرکوب سرمایه داری محکوم است.
- ۴- هر گونه سرکوب و محاکمه کارگران بخاطر اعتراض به اخراج سازی و ایجاد تشکل کارگری را محکوم می کنیم.

## شوراهای بهمن، تشکلهای امروز

اجتماعی طبقه کارگر ایران در تاریخ جنبش کارگری، سرکوب نهادهای چپ و دموکراتیک در جامعه، سرکوب زنان، دانشجویان و اقلیتهای ملی و مذهبی، دهها هزار نفر اعدام، شکنجه و زندانی شدند. صدها هزار نفر به تبعید و محرومیت‌های اجتماعی محکوم گردیدند. نهادهای ضدانقلابی در تمامی عرصه‌ها، امنیت و آسایش ابتدایی را از جامعه سلب کردند.

جنگ ارتجاعی ایران و عراق در منطقه، که با هماهنگی و تقویت آن توسط نهاد های امپریالیستی راه اندازی شد، در کنار کشتار و خانه خرابی و آواره گی و زمینگیر کردن میلیونها انسان، در کنار تحمیل فقر و فلاکت به توده های کارگر و زحمتکش، به تقویت و بازسازی نهادهای ارتجاعی در جامعه انجامید. سرمایه داری ضربه خورده در دوران انقلاب، با بکارگیری ماشین سرکوب و جنگ و کشتار و این بار در هنجاری اسلامی، یکی از سیاه ترین برگهای تاریخ جنایت را به خود اختصاص داد تا مگر بتواند از عهده ایستادن بر فراز جامعه بر آید.

بارسیدن لرزشهای ناشی از انطباق سیاست جهانی با اقتصاد بازار آزاد، سرمایه نیز در ایران به جنب و جوش افتاد و از لحاظ سیاسی، اجتماعی با شعار جامعه مدنی و توسعه سیاسی و اقتصادی در جهت جوابگویی به انسجام خویش برآمد. از سالهای بعد از جنگ با طرح تعدیل نیروی انسانی شروع به اخراج کارگران کردند. کارگران کارگاهها را از دایره هر گونه مسئولیت قانونی خارج کردند. بسیاری از کارخانه ها به دلیل عدم سود آوری تعطیل و سرمایه آن در جای دیگری بکار افتاد و کارگران اخراج شدند. با پشتیبانی نهادهای جهانی سرمایه داری و در جهت تامین استراتژی شرایط سود آور، به تغییرات در قوانین و نهادها

دست زدند. و بالاخره با اعلام حکم شرعی و رسمی خصوصی سازی از سوی خامنه ای، صف میلیونی کارگران بیکار در جامعه طویل تر شد. ناکارایی مدل اقتصادی رژیم شاه، آغاز انقلاب ۵۷ و سقوط شاه را بدنبال داشت که در طی آن سرمایه داری بی افق ضربه خورد. در مقابل، طبقه کارگر جوان هر چند با قدرت شوراهایش ظاهر شد و وزن سنگینتری پیدا کرد. ولی در غیاب تسلط افق سوسیالیستی بر مبارزه و سازمان توده ای اش، شوراهای در جامعه عمق نگرقت. با تغییرات سه دهه در ایران که قبلا اشاره رفت، از جمله وجود رژیمی هار، تحمیل جنگ به جامعه و انعکاس تغییرات بعد از جنگ سرد و سیاست نئولیبرالیستی در ایران، سرمایه داری از پایه های قوی تری و امکانات وسیعتری نسبت به سابق برخوردار است، هر چند تا ثبات سیاسی و سامان دادن به اقتصادش هنوز فاصله هست. اما کارگران که با شکست انقلاب، دوران جنگ و دوران خصوصی کردن چیزی به جز فقر و فلاکت و نیستی و کشتار و گلوله خوردن عایدش نشده، در عوض، هر چند به بهای بسیار زیادی، ولی یک دم از اعتراض و نارضایتی دست نشسته، با قدمهای سنجیده و با کوله باری از تجربه، این بار هم دارند خود را متشکل میکنند. تشکل سراسری کارگران ضرورت عملی یافته، که در صورت دست بالا یافتن افق مبارزه طبقه در مقابل طبقه، میتواند کاری را که شوراهای بهمن ناتمام گذاشت به پایان برساند.

هر چند سرمایه داری در جامعه امکاناتی دارد که کارگران از آن بی بهره اند، ولی کارگران قدرتی دارند که سرمایه داری ندارد این قدرت در جایگاه طبقه کارگر در تولید جامعه نهفته است که کارگران با آگاهی بر آن و متحد شدن میتوانند آن را بکارگیرند. در سالروز انقلاب بهمن، خاطره شوراهای را با ایجاد تشکلهای طبقاتی، از آرزو به عمل در آوریم.

\*\*\*

## برای جنایت غلط اعدام کردن

در ۱۹۸۸ با گازهای شیمیایی مورد حمله قرار داد، مورد حمایت قرار دهد. آمریکایی ها شایع نمودند که گازهای شیمیایی و مسموم کردن مردم کرد عراق از طریق ایران صورت گرفته است. از این طریق و با این شایعات بود که حکومت آمریکا بلاخره رژیم صدام را نجات داد. و از طریق یاری کردن و اسکورت نمودن نیروهای دریایی عراق برای حمله به تانکرهای نفتی در خلیج عرب، همزمان هواپیماهای عراق را آزاد گذاشت، که به تانکهای که از مناطق ایران می آمدند حمله نمایند.

حتی زمانی که یکی از هواپیماهای صدام اشتباهاً به یکی از ناوشکن های آمریکایی در ۱۹۸۷ حمله کرد و ۳۷ نفر از کارکنان هواپیما کشته شدند، و اشنگتن او را برای این حمله بخشید. زمانی که رژیم عراق به بوش پدری یک تماس تلفنی جواب رد داد، او با پایان دادن حمایت آمریکا از شورش کردها و شیعیان باعث شکست و قتل عام آنها شد.

آمریکا دقیقاً در تمام جنایتهای بزرگ صدام یکی بعد از دیگری دست داشت و درگیر بود، بنابراین دادگاهی که به تمام جزییات این جنایات بپردازد و اجازه افشاگریهای آن را داشته باشد تشکیل نشد. \*

## کارگر امروز

از سایت کارگر امروز  
دیدن کنید

[www.workertoday.com](http://www.workertoday.com)

## تجمع کارگران کارخانه شاهو سنندج

به نقل از سایت پیام

هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار گزارش داد که روز شنبه ۷ بهمن ماه نمایندگان کارگران کارخانه شاهو سنندج بر اساس توافق قبلی برای مذاکره با مدیر عامل این کارخانه جهت رسیدگی به خواسته هایشان به کارخانه مراجعه کردند، اما مدیر عامل کارخانه حاضر به مذاکره با نمایندگان کارگران نشد و به کارگران اعلام کرد که به استناداری مراجعه کنید.

به دنبال خودداری مدیرعامل از مذاکره با کارگران، نمایندگان کارگران مانع از خروج مدیرعامل کارخانه می شوند و این اقدام به درگیری منجر می گردد.

پس از درگیری و جواب سر بلای مدیر عامل به نمایندگانشان، دیگر کارگران نیز به کارخانه آمده و کارگرانی هم که مشغول کار بودند دست از کار کشیده و از خروج چهار دستگاه وانت نیسان که در حال خارج کردن ابزار تولید از کارخانه بودند جلوگیری کردند.

ساعت ۱۲ ظهر نیروهای انتظامی به قصد خارج کردن کارگران از کارخانه در محل حاضر می شوند، اما کارگران حاضر به ترک کارخانه نشدند و سرانجام کارفرما را ناچار می کنند که با آنان وارد مذاکره شود.

به دنبال مذاکرات انجام گرفته مدیرعامل به کارگران وعده داده است تا روز ۱۵ بهمن ماه تمامی حقوق و مزایای معوقه کارگران را پرداخت خواهد کرد و کارگران نیز تهدید کرده اند اگر تا این تاریخ مطالباتشان

پرداخت نگردد به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

در جریان این تجمع کارگران کارخانه شاهو به غیر از درخواست پرداخت مطالباتشان، خواستار استعفای مدیر عامل کارخانه نیز شده اند.

\*\*\*

## زنده باد همبستگی کارگری

به نقل از سایت شورا

با درود های فراوان

دوستان عزیز

در شرایطی که امروزه کارگران ایران با سیه روزی بی سابقه و پایان ناپذیری دست به گریبانند و میلیونها خانواده کارگری در جهنمی به نام زندگی، بطرز دهشتناکی در حال خرد و خمیر شدن هستند، هر درجه از همکاری کارگران پیشرو بر پایه عاجل ترین، مبرم ترین و گسترده ترین مطالبات کارگری، که با لحظه، لحظه ی زندگی ما کارگران عجین گشته است، میتواند باعث تقویت مبارزه فی الحال جاری ما کارگران برای رسیدن به خواسته های برحق مان شود. به این معنی، هر درجه از گستردگی و عمق پیشروی کارگران در رسیدن به فوری ترین مطالباتشان، زمینه ساز ارتقا سایر سطوح ابراز وجود اجتماعی طبقه کارگر، از قبیل "ایجاد تشکلهای کارگری" خواهد شد. در این کارزار ما خود را در کنار عموم فعالین و کارگران پیشرو میدانیم و از طرح و پیشبرد همکاری فعالین کارگری و کارگران پیشرو استقبال میکنیم. \*

زنده باد همبستگی کارگری

سایت شورا

۸/۱۱/۱۳۸۵

\*\*\*

## موج جدید برخورد با فعالین دانشجویی دانشگاه تهران

به نقل از وبلاگ ۱۶ آذر

چند روزی بیشتر از برگزاری امتحانات و (نیمه تعطیلی) دانشگاهها نمی گذرد که موج جدیدی از ارباب و فشار علیه دانشجویان دانشگاه تهران آغاز شده است. پس از بازداشت بهروز کریمی زاده دانشجوی اقتصاد دانشگاه تهران این بار آقایان احمد موسوی، وحید عابدینی، پگاه حمزه ای، فرید هاشمی، حمید ملک زاده، مصطفی کوهی، بهنام سپهرمند، سعید سعیدی، عیسی عادل، مرتضی خسروی، جمشید اسماعیلی، یاسر مختاری و ... نیز به کمیته های انضباطی احضار شده اند. بر طبق آخرین اخبار رسیده اتهام بیشتر این فعالین شرکت در مراسم غیر قانونی ۱۶ آذر سرخ امسال در دانشگاه تهران ذکر شده است.

اخباری که امروز به دست ما رسیده حاکی از آن است که از تمامی افراد ذکر شده خواسته اند تا از روی عکسهایی که به آنها نشان داده می شود دانشجویان خاطی دیگر در مراسم ۱۶ آذر را شناسایی کنند در غیر این صورت آنها دچار حکمهای سنگین تعلیق و محرومیت از تحصیل و ... خواهند شد. قابل ذکر است علیرغم اعمال محرومیت از تحصیل شاهو رستگاری دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران در آغاز سال تحصیلی، این چندمین باری است که شاهو رستگاری مجدداً به کمیته انضباطی احضار می شود.

کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد



دوستان و همکاران گرامی  
چهارم بهمن تنها یک روز برای  
همدردی با کارگران شهر بابک  
نیست چهارم بهمن یورش به  
کارگران برای استعمار بیشتر و بهره  
کشی بیشتر از آنان می باشد. چهارم  
بهمن دفاع کارگران از منافع و از  
امنیت شغلی خودشان بود چهارم بهمن  
و روزهای دیگر همچون روز چهارم  
دی ماه روز اعتصاب کارگران شرکت  
واحد روز ۱۷ اسفند روز اعتصاب  
شکوهمند کارگران ایران خودرو روز  
دهم تیر ماه روز اعتصاب کارگران  
شرکت ایران خودرو دیزل و هزاران  
روز دیگر نشان داده است هر وقت  
منافع کارگران به خطر افتاده است  
آنان تا پای جان از منافع خود دفاع  
خواهند کرد چهارم بهمن یک برگ  
زیرینی در تاریخ جنبش کارگری بوده و  
اینک وظیفه ماست که با گرامی داشت  
این روز پرچم این جنبش را  
همچنان زنده نگه داریم برای همین  
مناسبت روز پنجشنبه پنجم بهمن  
۱۳۸۵ ساعت ده صبح در سالنهای  
غذا خوری دور هم می نشینیم و با یاد  
آوری این روز یاد کارگران جان باخته  
شهر بابک را گرامی خواهیم می  
داریم.

زنده باد یاد تمام جانبختگان راه آزادی  
طبقه کارگر

**جمعی از کارگران شرکت ایران  
خودرو**

**چهارم بهمن ۱۳۸۵**

[ikcokar@yahoo.com](mailto:ikcokar@yahoo.com)

**به پیش! را مشترک شوید!**

آدرس ای-میل خود را برای ما بفرستید  
تا **به پیش!** برایتان ارسال شود.

اگر مایلید نسخه چاپی **به پیش!** را

دریافت کنید، آدرس پستی خود را برای ما  
بفرستید.

نسخه چاپی **به پیش!** رایگان است و تنها  
هزینه پست بعهده مشترکین است.

کارگران معدن خاتون آباد با خواست  
برحق و ابتدایی کار مورد یورش قرار  
گرفته و به خاک و خون کشیده شدند.  
خواست آنان مگر غیر از امنیت شغلی  
چیزی دیگری بود کارگران کار می  
خواستند ولی جواب آنها گلوله و  
مرگ بود.

یکی از دست آوردهای دولت حامی  
سرمایه داران ایجاد قانونهای  
ضدکارگری و در راس آن قانون ضد  
بشری و غیر انسانی قانون  
قراردادهای موقت و شرکتی پیمانی  
می باشد که تمام امنیت شغلی را از  
کارگران سلب کرده است. حمله  
نیروهای مسلح به کارگران شهر بابک  
دفاع از این قانون و دفاع از منافع  
سرمایه داران بود. سرکوب و کشتار  
کارگران شهر بابک تداوم این قانون  
بود و تا امروز نیز همچنان قربانی می  
گیرد حمله به کارگران شرکت واحد  
اتوبوس رانی و دستگیری صدها  
کارگر و بیکاری سازی کارگران آن  
حمله به کارگران بیگناه  
کارخانه فرش البرز شهر بابلسر حمله  
به کارگران نساجی پربیس شهر  
سنندج دستگیری و اخراج دهها نفر از  
همکاران خودما و هزاران نمونه  
دیگر مگر غیر از نشان حمله آگاهانه  
به کارگران شهر بابک می باشد. و تا  
زمانی که امنیت شغلی کارگران تهدید  
می شود امنیت جانی آنان نیز در امان  
نخواهد بود و تازمائی قانون های ضد  
کارگری پابرجا است کارگران روی  
امنیت شغلی و آسایش و رفاه را  
نخواهند دید.

کارگران ایران خودرو در سالگرد این  
فاجعه ضمن همدردی مجدد با  
بازماندگان و اعضای خانواده جان  
باخته گان و همکاران آنان خواستار  
پیگیری این پرونده و محاکمه عاملان  
این جنایت و محاکمه تمام کسانی  
هستند که با ایجاد قانون قراردادهای  
موقت امنیت شغلی و جانی را از ما  
کارگران سلب کرده اند. ما کارگران  
ایران خودرو خواهان لغو تمام  
قراردادهای موقت و انحلال تمام  
شرکتی پیمانکاری هستیم. تنها الام  
تسکین درد کارگران ایجاد امنیت شغلی  
و نابودی قانون های سرمایه دارای  
است.

## کارگران ایران خودرو یاد کارگران جان باخته شهر بابک را گرامی می دارند

دوستان و همکاران گرامی  
روزچهارم بهمن سالروز جان باختن  
عده ای از کارگران بی گناه معدن  
خاتون آباد شهر بابک است.

دردی ماه سال ۱۳۸۲ عده ای از  
کارگران معدن خاتون آباد شهر بابک  
در استان کرمان خواهان استخدام و  
امنیت شغلی بودند که خواست برحق  
این کارگران مورد پذیرش مدیریت  
قرار نگرفت عدم پذیرش خواست  
کارگران از طرف مدیریت موجب  
گسترش این اعتراض و شرکت وسیع  
اعضای خانواده های کارگری شده و  
تحصن گسترده ای در خود معدن  
سازمان داده شد. این تحصن توسط  
نیروهای انتظامی محاصره و در  
درگیری کارگران با ماموران نظامی  
تعدادی از کارگران در محل تحصن  
زخمی و دستگیر شدند پخش خبر  
دستگیری و محاصره و ضرب و شتم  
کارگران در شهر بابک که محل زندگی  
بسیاری از کارگران معدن خاتون آباد  
بود موجب اعتراض وسیعی در این  
شهر شد. نظاهرات گسترده مردم شهر  
بابک در چهارم بهمن سال ۱۳۸۲ از  
زمین و هوا مورد یورش نیروهای  
نظامی قرار گرفته و چند تن از  
کارگران کشته و چندین نفر از آنان  
زخمی و تعداد بیشماری دستگیر شدند.  
در روزهای پس از این حادثه تاسف  
آور اعتراضات گسترده ای در شهر  
بابک و خارج از کشور توسط نهادهای  
بین المللی انجام شد مقامات و  
مسئولین دولتی در هراس از این  
اعتراضات از خود سلب مسئولیت  
کرده و تقصیر را به گردن نهادهای  
دیگر انداختند و تا کنون نیز هیچ فردی  
و یا ارگانی بخاطر حمله به کارگران و  
کشتن آنان مجازات نشده است.

دوستان و همکاران گرامی

بقیه از صفحه ۶

### دعوت از همه تشکل ها و فعالین جنبش کارگری برای "اتحاد عمل" ...

بین کارگران، در اینجا و آنجا و علی رغم پاره ای تحرکات و تأثیرات مثبت در برخی زمینه ها و ابعاد، به دلایل مختلف، از جمله پراکندگی و عدم کارآیی لازم در مجموع نتوانستند گام های بلندی در این راستا بردارند و خود الگوی مناسبی برای کارگران در ارتباط با تشکل پذیری سراسری و فراگیر باشند.

لذا با توجه به جمیع جهات- که مختصراً بدان ها اشاره رفته است- و در همین رابطه، در حد توان و در جهت پاسخگویی جدی تر و موثرتر به مسائل خطیر و مبرمی که پیش روی جنبش کارگری است، تشکل های حاضر در نشستی که به دعوت "اتحاد کمیته های کارگری" در محیطی سرشار از تفاهم و همدلی، برگزار گردید، ضمن تأکید بر "اتحاد عمل"، تصمیم گرفتند بار دیگر در نخستین گام، به شکل گسترده تر از سایر تشکل ها و فعالین جنبش کارگری در کارخانه ها و مراکز تولید و خدمات (که به نمایندگی از تعدادی از کارگران انتخاب می شوند) حول مبرمترین و اساسی ترین مسائل جنبش کارگری، دعوت بعمل آورند تا با شرکت در نشستی فراگیرتر و وسیع تر برای ایجاد شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری، تلاش نمایند. باشد که، این گونه همکاری ها و بطور مشخص اتحاد عمل ها خود، زمینه ای باشد برای تحرکات جدی تر و موثرتر در جنبش کارگری، برای تشکل پذیری بیشتر و مقاومت افزونتر در قبال تهاجمات سرمایه.

**"کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل**

**کارگری"**

**"کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد**

**کارگری"**

**"انجمن فرهنگی، حمایتی کارگران"**

**"جمعی از دانشجویان دانشگا ههای**

**تهران"**

**و " اتحاد کمیته های کارگری"**

[Komiteye kargari@yahoo.com](mailto:Komiteye kargari@yahoo.com)

با این همه، واضح است که کارگران نمی توانند در قبال فشارها و مصائبی که یکی پس از دیگری از جانب سرمایه داران و عوامل آنان، به سویشان حواله می رود و زندگی آنان و خانواده هایشان را یکسره به نابودی و تباهی می کشاند ساکت و آرام بنشینند، و تنها و تنها شاهد و ناظر خاموش و چشم و گوش بسته ی حوادث و معضلات پیش رو باشند. از این روست که صدای اعتراضشان از هر طرف بلند می شود و در اینجا و آنجا به گوش می رسد و پیوسته رساتر و رساتر می گردد و کارگران می روند تا به خود آیند و به سرمایه داران نشان دهند که دیگر حاضر نیستند هر ستمی را تحمل کنند و به هر ذلتی تن در دهند.

با این وجود نمی توان انکار کرد که اعتراضات کارگری عمدتاً پراکنده و ناهماهنگ است، و در مجموع از ارتباط و به هم پیوستگی لازم جهت ادامه کاری و گسترش منطقی برای به کرسی نشاندن خواست ها و مطالبات کارگری و تحمیل آن ها به سرمایه داران برخوردار نیست. کارگران، کمتر در تشکل های مستقل و غیر دولتی خود-تحت هر نام و عنوانی که باشد- متشکلند. آنان بویژه از تشکل سراسری خویش محرومند و از این مسئله به شدت رنج می برند. و سرمایه داران نیز نهایت بهره برداری و سوء استفاده را از این مسئله می نمایند.

معدود تشکل های موجود نیز که طی سال های اخیر عمدتاً با هدف کمک به ایجاد تشکل های مستقل کارگری، با همت پیشروان و فعالان کارگری، تشکیل شده است، به رغم دامن زدن به بحث تشکل یابی و تشکل پذیری در

### پیام تبریک هیئت موسس احیا و بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک

از : هیئت موسس احیا و بازگشایی  
سندیکای فلزکار و مکانیک  
به: هیئت موسس اتحادیه سراسری  
کارگران اخراجی و بیکار

اعلام موجودیت هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار مایه مسرت و امیدواری است.

آرزو داریم در جهت اهداف اعلام شده بیانیه و اشتغال بکار و جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران و حقوق بگیران موفق باشید.

بدیهی است تا زمانی که با خرد جمعی و مشارکت همه دست اندرکاران اتحادیه و بر اساس مقوله نامه های بین المللی و اعلامیه های جهانی حقوق بشر و قوانینی که برای تامین منافع کارگران و زحمتکشان و زندگی سعادت‌مندانه آنها در نظر گرفته میشود حرکت نمایم، پیروزی میسر خواهد شد.

هم اکنون سرمایه جهانی برای از بین بردن همه دست آوردهای طبقه کارگر و زحمتکشان به یورش همه جانبه ای دست زده است. لذا تشکیل هر گونه تشکل مستقل و آزاد کارگری میتواند عامل تثبیت کننده دست آوردها و پیشروی بسوی زندگی بهتر و سعادت‌مندانه باشد. ما با چنین دیدگاهی، همکاری، همگامی و همفکری متقابل تشکلها را امری لازم دانسته و استفاده از تجربیات طبقه کارگر را مفید و جدی تلقی میکنیم. طبقه کارگر با سلاح صلح، آگاهی و تشکل برای تامین منافع خود که عین منافع ملی است از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

تلاش شما را در جهت ایجاد چنین اتحادیه ای می ستائیم و برای شما آرزوی پیروزی داریم .  
تبریکات صمیمانه ما را بپذیرید.

هیئت موسس احیا و بازگشایی

سندیکای فلزکار و مکانیک

۱۲/۱۰/۱۳۸۵

**چهارم بهمن روز جانباختگان جنبش کارگری ایران را گرامی داریم!**

حقوق کارگران اخراجی انجام داده اند، اما عملاً تا کنون هیچگونه تغییری در شرایط ناگوار اقتصادی و اشتغال مجدد آنها روی نداده است.

با توجه به این شرایط سخت زندگی کارگران اخراجی و همچنین افزایش گرانی ها و دیگر مشکلات و عدم رعایت حقوق کارگران از شما و از طریق شما از همه سازمانهای کارگری و بین المللی مربوطه می خواهیم اقدامات شایسته در جهت حمایت های معنوی بویژه کمک های مالی خود را نسبت به سندیکای ما بعمل آورید. پیشاپیش از شما و همبستگی های (ITF) و (ITUC) و دیگر اتحادیه های کارگری و عدالت خواهان سپاسگزاری می نمایم.

پیروز باد صلح، آزادی، عدالت  
اجتماعی و همبستگی کارگری در  
سراسر جهان

**سندیکای کارگران شرکت واحد**

**اتوبوسرانی تهران و حومه**

۱۳۸۵/۱۱/۱۲

همکاران گرامی: لطفاً تکثیر و توزیع شود  
Email : syndicavahed@gmail.com

بودیم. سندیکای کارگران شرکت واحد، بار دیگر از این همبستگی و همکاری و پشتیبانی های کارگری خرسندی خویش را بیان و همچنان خواستار ادامه و گسترش این تلاشها انسانی است.

متأسفانه در امتداد سرکوبها و نقض حقوق کارگری، کماکان همراه با فشارها و تعدیات و رفتارهای غیرقانونی علیه هئیت مدیره، اعضا و فعالین سندیکایی حدود پنجاه نفر از کارگران و بدون بهره مندی از هر گونه دستمزد و حقوق و تأمین اجتماعی، دادخواهی شان نیز از وزارت کار بر خلاف قوانین داخلی و مقاله نامه های بین المللی کار هنوز بدون پاسخ مانده است. یادآوری می گردد به محض ارتباط کارگران شاغل شرکت واحد با فعالین سندیکایی، آنها توسط نیروی امنیتی شرکت واحد (حراست) فوراً احضار و شدیداً مورد ارباب و فشار روحی روانی قرار گرفته و ضمن بازجویی در مسائل خصوصی زندگی، تهدید به اخراج می شوند.

اگر چه بعضی مقامات قضائی اعلام نموده اند اقداماتی در جهت استیفای

**از: سندیکای کارگران شرکت واحد  
اتوبوسرانی تهران و حومه  
به: دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران  
حمل و نقل (ITF)**

آقای دیوید کاک کرافت  
دوست گرامی

با سلام و سپاس از همبستگی شما و اعضای گرامی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) این روزها مصادف است با سالگرد اعتراضات کارگری، دستگیری، زندان و اخراج شدن هئیت مدیره، اعضا و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه. همزمان با این رویدادهای ناگوار و تلخ، از طرف سازمان ها و اتحادیه های بین المللی کارگری مانند: IFT و ICFTU و دیگر اتحادیه های کارگری در کشورهای گوناگون جهان که با محکوم نمودن سرکوب و برگزاری مراسم مختلف، اعتراض را بیان نمودند.

اوج این همبستگی ها را در پانزدهم فوریه رورهمبستگی جهانی با کارگران شرکت واحد تهران شاهد

## کارگران یخچال سازی لرستان

### پیروزمندانه به تجمع خود

### پایان دادند

### به نقل از سایت کمیته هماهنگی

به دنبال تجمع و تحصن کارگران یخچال سازی لرستان در محل دفتر شرکت آتیه دماوند در تهران در روز سه شنبه ۳/۱۱/۸۵، نیروی ضد شورش جمهوری اسلامی در محل حاضر شد که به درگیری بین کارگران و این نیرو انجامید. چند تن از کارگران توسط نیروی ضد شورش دستگیر شدند اما سایر کارگران آنان را از چنگ این نیرو رها ساختند. در جریان این درگیری، یکی از فرماندهان این نیرو از دست کارگران کتک خورد. پس از این جریان، دو تن از نمایندگان استان لرستان در مجلس شورای اسلامی به نام های فتح الله حسنونند و سید مرتضی موسوی و نیز معاون استاندار لرستان به نام مروج در محل حاضر شدند. مذاکرات نمایندگان

کارگران با مسئولان شرکت آتیه دماوند به مدت چندین ساعت در حضور این افراد و با شرکت تلفنی استاندار لرستان ادامه یافت و در نهایت طی صورت جلسه ای به تاریخ ۳/۱۱/۸۵ که به امضای سه تن از نمایندگان کارگران، سه تن از مسئولان آتیه دماوند و حسنونند نماینده خرم آباد و رئیس مجمع نمایندگان برستان در مجلس شورای اسلامی رسید، شرکت آتیه دماوند متعهد به اجرای خواست های کارگران به شرح زیر گردید:

۱- پرداخت تمامی حقوق، مزایا، عیدی و پاداش معوقه به طور کامل. در این مورد، محسنی ثانی استاندار لرستان متعهد گردید که مبلغ مورد نیاز جهت این پرداخت (یک میلیارد و دویست میلیون تومان) را به عنوان وام در اختیار آتیه دماوند قرار دهد.

۲- انتقال کارخانه از سهامداران فعلی به سهامداران جدید.

۳- جلوگیری از تعطیل کارخانه و فعال نمودن مجدد آن.

۴- پرداخت حقوق کارگران به طور منظم تا زمان انتقال کارخانه به

سهامداران جدید.

۵- بازگشت به کار کارگران اخراجی.

۶- لغو قراردادهای موقت.

۷- پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی و صدور دفترچه درمانی.

همچنین، در صورت جلسه مقرر گردید که به بند یک خواست های کارگران تا ۱۰ روز و سایر بندها حداکثر تا ۲ ماه پس از تاریخ امضای این صورت جلسه اجرا شود.

قابل ذکر است که در زمان امضای این صورت جلسه تعداد کارگران به ۱۸۱ نفر رسید که طی طوماری که به صورت جلسه پیوست گردید خواست های فوق را مورد تأیید قرار دادند.

ما ضمن تبریک این پیروزی به کارگران یخچال سازی لرستان، تأکید می کنیم که ضامن اجرای این تعهدات فقط و فقط ادامه تجمع کارگران و تلاش برای ارتباط و اتحاد و ایجاد تشکل با سایر بخش های طبقه کارگر و در درجه اول کارگران اخراجی و بیکار و قراردادی است. \*

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل  
کارگری (منطقه تهران)**

۴/۱۱/۱۳۸۵

# Be Pish!

NO : 20

WEEKLY PAPER OF WORKERS SOCIALIST  
UNITY-IRAN  
WWW.WSU-IRAN.ORG  
BEPISH@HOTMAIL.FR

News - Political

February, 2007

کارگران سندیکایی بلاتکلیف شرکت واحد : این اعلام صورت نگرفته است.

۷- ماده ۹ آیین نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیئت تشخیص مقرر می نماید: "واحد کار امور اجتماعی محل موظف است ظرف مدت ۳ روز اقدام به ابلاغ رای نماید" که تا امروز رای، صادر و ارائه نشده است. تبصره ۲ ماده ۵ همین آیین نامه مقرر می دارد هر یک از طرفین کارگر و کارفرما می تواند یک فرد مطلع را در جلسه هیئت تشخیص همراه داشته باشد که متأسفانه این حق مسلم از طرف هیئت های تشخیص رعایت نمی گردد. در پایان از جنابعالی در خواست می شود نسبت به رعایت موارد قانونی اعلام شده، دستورات لازم را صادر فرمایید. \*

کارگران سندیکایی بلاتکلیف شرکت واحد

www.ettehade.com

۳- طبق ماده ۱۳ مصوبه اخیر الذکر تصمیمات کمیته در ۵ نسخه تنظیم، که یک نسخه به کارگر یا کارگران ذینفع و یک نسخه جهت اطلاع واحد کار و امور اجتماعی محل توزیع میگردد، که متأسفانه این ماده نیز رعایت نگردیده است.

۴- مطابق ماده ۱۷ مصوب ۳۰/۱۰/۱۳۸۰ با شماره ۱۲۶۸۰ مورخ ۲۵/۲/۱۳۸۱ شورای عالی کار،

منتشره در روزنامه رسمی به شماره ۱۶۶۶۸ مورخ ۱/۳/۱۳۸۱، در مواردی که اخراج کارگر به استناد ماده ۲۷ قانون کار صورت گرفته باشد، کارفرما مکلف است مدارکی دال بر استعلام نظر تشکل کارگری موجود در کارگاه و نظریه تشکل مذکور، در صورت اعلام نظر به مرجع رسیدگی کننده ارائه نمایند. در غیر این صورت استناد کارفرما به ماده فوق معتبر نخواهد بود. در جلسات برگزار شده هیئت تشخیص، نماینده کارفرما این تکلیف قانونی را رعایت نکرده است.

نامه سندیکای کارگران شرکت واحد تهران به مدیر کل سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان تهران

به نقل از سایت اتحاد

مدیر کل محترم سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان تهران با سلام:

همانطور که آگاه هستید هم اکنون پرونده های داد خواهی حدود ۵۰ نفر از کارگران شرکت واحد بعد از ۱۲ ماه عدم رسیدگی با دستور جنابعالی در هیئت های تشخیص ادارات کار مختلف در دست رسیدگی است که متأسفانه به دلایل زیر ملاحظه میشود هیئت های تشخیص و بعضاً مدیران و کارمندان مربوطه از آموزش و اشراف کامل به قانون و مقررات و آیین نامه ها و وظایف قانونی خود بر خوردار نمی باشند. موارد نقض مقررات قانونی به شرح ذیل ارائه می گردد:

۱- مطابق آیین نامه انضباط کار شرکت واحد که به تایید آن اداره رسیده است کارگران باید طبق دو دعوت نامه در جلسه کمیته انضباط کار حاضر شوند و در حضور کارگر به تخلف احتمالی رسیدگی شود اظهارات کارگر در لایحه دفاعیات باید ثبت شود و در کمیته انضباط کار مورد رسیدگی قرار گیرد.

۲- مطابق ماده ۷ مصوبه ۲۴/۱/۱۳۷۰ به شماره ۵۶۲۹۴

مورخه ۲۵/۳/۱۳۷۰ شورای عالی کار، کمیته انضباط هر واحد کارگری در اولین جلسه مشخصات اعضا و موجودیت خود را کتبا به واحد کار و امور اجتماعی محل اعلام میکند. طبق استعلام از اداره کار و امور اجتماعی

۵- طبق نمونه رای مخدوش و مغشوش و غیر قانونی به اصطلاح رای کمیته انضباط کار شرکت واحد مربوط به آقایان عطا باباخانی- حسین کریمی سبزواری- فضل الله مظاهری- سید صادق خندان اسامی هیچکدام از افراد شورای اسلامی کار درج نگردیده و کارگران از حق شکایت از افراد شورایی در هیئت ماده ۲۲ برخوردار نمی باشند..

۶- فرم های به اصطلاح صورتجلسات کمیته انضباط کار مذکور اصولاً با فرم های متداول کمیته انضباط کار کاملاً مغایر و در آن ابتدایی ترین مقررات شامل: ثبت شماره و تاریخ و اسامی امضا کننده رعایت نشده است.

از سایت

اتحاد سوسیالیستی  
کارگری

دیدن کنید

www.wsu-iran.org